زندگی
قدس
سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۷ | ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۴۰ | ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۵۶ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگو با هادی حکیمیان، داستان‌نویس یزدی به بهانه «باغ خرمالو» تازه‌ترین رمانش

جلوی «تهرانیزه» شدن ادبیات ایران را بگیریم

۱۴

گفت‌وگو با کارگر و نگهبان ساختمانی که اولین کتابش دو هفته‌ای به چاپ دوم رسید

نویسندگی با دست‌های پینه بسته

۱۰

۱۲

ورزش

کی روش و پسران بدون بدرقه مسئولان ورزش راهی قطر شدند

تـــیم ملی دلخور رفت!

عصر یکشنبه سرمربی تیم ملی اسامی ۲۱ بازیکن را در مرحله اول اعلام اسامی برای اردوی آماده‌سازی در قطر اعلام کرد. اردوی آماده‌سازی در قسمت اول از تاریخ ۲۷ آذر تا ۳ دی ماه در دوحه قطر برگزار می‌شود و پس از اتمام این مرحله، اسامی بازیکنان شاغل در خارج از کشور اعلام و در نهایت در تاریخ ۲۶ دسامبر (۵ دی ماه) لیست نهایی برای مسابقات جام ملت‌های آسیا اعلام خواهد شد. این در حالی است که طبق برنامه از پیش اعلام شده، می بایست کی روش قبل از اردوی قطر لیست نهایی تیم ملی را اعلام می کرد و شاید مصدومیت برخی از لژیونرها و معلوم نبودن وضعیت آن ها سبب شده تا کی‌روش اعلام لیست نهایی را پس از اضافه شدن لژیونرها به اردوی قطر و در نهایت پنجم دی ماه موکول کند. علیرضا جهانبخش وکاوه رضایی بازیکنانی هستند که این روز ها به دلیل مصدومیت در بازی های تیم هایشان غایب هستند و سعید عزت اللهی، مجید حســـینی و مرتضی پورعلی گنجی نیز دیگر بازیکنان آسیب‌دیده تیم فوتبال ایران هستند که آن ها هم به شرایط خوب خود نرسیده‌اند و هفته‌های زیادی را به دلیل مصدومیت در کلینیک‌های مختلف پزشکی گذرانده‌اند. حال با این بحران مصدومیت که سرمربی تیم ملی پیش از جام ملت ها با آن مواجه شده است باید تا پنج دی منتظر بود تا لیست نهایی تیم ملی اعلام شود و دید از بین لژیونرهای مصدوم تیم ملی کدام یک عصای دســـت کی روش در جام ملت ها می شوند...

۱۱

معارف

به بهانه ۲۷ آذر که در گرامیداشت شهید مفتح روز وحدت حوزه و دانشگاه نام گرفت

حوزه و دانشگاه؛ وحدت در تراز «دوره امام و امت»

۱۵

سیما و سینما

نگاهی به مهمترین جشنواره سینمای مستند ایران

«سینما حقیقت» با موج «عمار» انقلابی شده است

۱۶

ایستگاه

نگاهی به اهداف وانگیزه های سیاسی گلوله باران حرم مطهر رضوی در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۳۰

زین ماتمی که به پا کرد توپ روس

مجاز آباد

همرزم کاوه

بعـــد از این که ســـردار قدرت‌الله منصوری، فرمانده قـــرارگاه ثامن الائمه(ع) نیروی زمینی سپاه، حین بررسی و تنظیف ســـلاح انفرادی خود از ناحیه سر دچار سانحه شد و درگذشت،کاربران فضای مجازی با هشتگ #یار_خراسانی تصاویری از او را به اشتراک گذاشتند و از او نوشـــتند. نمونه پست‌های منتشر شده توســـط کاربران را می‌خوانید: «۴۰ سال بی‌وقفه برای امنیت تلاش کرد از کردستان تا کرمانشاه، از چابهار تا تایباد و تربت جام. خسته از این دنیا رفت اما برایمان امنیت به یادگار گذاشـــت... مردم نمی‌شناسنش اما گردنه‌های کردستان و آلواتان و کومولههای دیروز و مردم مظلوم سیستان و طالبان امروز خوب می‌شناسنش! مردی با فرماندهی قرارگاه قدس شرق کشور که با دستور مستقیم رهبری تشکیل شده و حقیقتاً ما خراسانی‌ها امنیت رو مدیونشیم».

یک یهودی مدیر اینستاگرام شد

«کویـــن سیســـتروم» و «مایـــک کریگر» سال ۲۰۱۰ اینستاگرام را به دنیا معرفی کردند. اینستاگرام در عرض چند ســـال بـــه یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی دنیا بدل شد و طبق آخرین آمار اعضای آن از یک میلیارد نفر هم گذشته اســـت! اما مدتی «کوین سیســـتروم» و «مایک کریگر» از مدیریت این شـــبکه اجتماعی اســـتعفا دادند. با استعفای مدیر سابق شبکه اجتماعی اینستاگرام، حالا پس از گذشت چندین ماه از استعفای مؤسســـان اینستاگرام، یک فرد یهودی اسرائیلی به مدیریت جدید این شـــبکه منصوب شده اســـت. آدام موســـری، که یک یهودی اسرائیلی است، این هفته توسط فیسبوک به عنوان مدیر جدید شبکه اجتماعی پرطرفدار اینستاگرام معرفی شد.

چهل سال افتخار

با نزدیک شـــدن بـــه چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی کاربـــران فضـــای مجازی با هشـــتگ #چهـــل_ســـال_افتخار دستاوردهای انقلاب در ۴۰ ســـال را بازخوانـــی کردند و تأکیـــد کردنـــد در این مدت باید به مناســـبت چهل سالگی انقلاب، خبرهای خوب و دستاوردهای انقلاب را توییت کنیم و به اشتراک بگذاریم. در ادامه تعدادی از پست‌های کاربران در این زمینه را می‌خوانید: «امام می‌فرمودند امید من به شما دبستانی‌هاست. آقا حالا بزرگ شده‌ایم. از امیدتان راضی هستید؟...در چهل سالگی انقلاب مهم‌تر از تیتر کردن دستاوردها و پیشرفت‌ها، تشـــریح مبانی انقلاب و آرمان‌های انقلابه که غفلت کردیم. توصیه رهبـــری به جوانان: آرمان‌ها را دائماً تکرار کنید تا جلوی چشم شما باشد».

گزارشی از خروج سرمایه های ملی توسط خاندان پهلوی در بحبوحه انقلاب اسلامی ایران

مأموریت برای جیبم!

حامد کمالی: اگـــر قرار بود جایـــزه‌ای در دنیا به متوهم‌ترین آدم‌های روی زمین بدهند، قطعاً رضا پهلوی یکـــی از برندگانش بود. آدمی که هنوز هم رویای پادشـــاهی ایران را در سر می‌پروراند و هرجا که می‌نشیند خودش را شاهزاده می‌خواند. هربار هم که مصاحبه می‌کند، آدم‌های زیادی بیشتر از قبل پی به حماقت و نادانی ربع پهلوی می‌برند و خدا را شکر می‌کنند که انقلاب شد و این بشر به سلطنت نرسید وگرنه حسابمان با کرام‌الکاتبین بود. حتی آن‌هایی که ســـال‌ها روی دیوار او یادگاری نوشتند هم بعد از هر اظهارنظر جدید، خیلی یواش و چراغ خاموش پشـــتش را خالی می‌کنند که آبرویشان نرود. اما گفت‌وگوی اخیر، رضا پهلوی با انســـتیتو واشنگتن، هم دوباره موج تمسخر او را در شبکه‌های اجتماعی هم اینکه باعث شد همه سرکی بکشند به ثروت‌های ملی که این خانواده موقع فرار از کشور خارج کردند.

مدعی ذلیل

دو سه روز پیش رضا پهلوی در انستیتو واشنگتن آمریکا پشت تریبون رفت و شروع به صحبت کرد و همان حرف‌ها و اتهام‌های همیشگی‌اش را طبق عادت مالـــوف مطرح کرد و رفت. صحبت‌هایی که طبق معمول از همان لحظه اول حاشیه‌ســـاز شد، چـــون چند نفری از کارمندان و دســـت اندرکاران این مؤسسه اعلام کردند که هیچ تمایل و برنامه‌ای برای سخنرانی ربع پهلوی نداشتند و او با خواهش و تمنا و زور، خودش را پشـــت تریبون رسانده که چند دقیقـــه‌ای حرف بزند. بعد از این صحبت‌های عجیب مســـئولان انستیتو واشـــنگتن، موج دوم حملات و تحقیر شـــاهزاده خودخوانده پهلوی از سوی دور وبری‌هایش شروع شد. عطاالله مهاجرانی چند ساعتی پس از این ســـخنرانی در توییترش نوشت: یک ساعت و ۱۶ دقیقه با گفت وگوی شازده در انستیتو واشنگتن وقت تلف کردم! پرسش‌های خلجی دقیق و سنجیده بود. شازده به هیچ پرسشی، پاسخ دقیق و سنجیده نداد، خلجی هیچ پرسشی را پی نمی‌گرفت. شازده کم ســـواد و بی استعداد اســـت، حدود صد تا جمله را مثل کلیشه در همه مصاحبه‌ها تکرار می‌کند. هفت بار هم آب می‌خورد! مهران مصطفوی هم از نزدیکان ابوالحسن بنی‌صدر و از فعالان سیاســـی مخالف جمهوری اسلامی، با انتقاد شدید از سخنان اخیر رضا پهلوی، گفت: «من تاکنون فردی که مدعی رهبری باشد به این ذلیلی ندیده بودم».

پول تو جیبی‌هایی که احتمالاً تمام شده

ربـــع پهلوی امـــا در بخشـــی از صحبت‌هایش از کشـــورهای غربی خواســـت که پول‌هـــای ملت و سرمایه‌های دولت ایران را بلوکه کنند و به دست او بدهند. همین یک جمله بیشتر از بقیه صحبت‌های او به چشـــم آمد و باعث شـــد کاربران شبکه‌های اجتماعی شـــروع کنند به نوشتن از او و این حرف احمقانه‌اش: «این جمله رضا پهلوی که «در صورتی که مالشان از کیسه ملت می‌رود، آن‌ها را هم توقیف کنند» که تهش داده بشه به خودش و همفکرانش، ناخودآگاه اینو به فکر آدم میاره که شما عجالتاً اون مالی که چهل ســـال پیش از کیسه ملت بردین و هنوز داریـــن می‌خورین رو برگردونین، توقیف اینا پیش‌کش»، «رضا پهلوی که قبای رهبری اپوزیسیون رو می‌خواد به تن کنه پیش از آنکه درخواست ضبط و مصادره اموال مربوط اشخاص وابسته به رژیم رو مطرح کنه اول فهرست اموال خودش و خانواده اش رو اعلام کنه. مشـــخص کنه تو این سال‌ها به جز ثروت هنگفتی که خانواده اش از این ملت برداشتن و بردن دقیقاً چه منبع درآمدی داشته»، «آقای رضا پهلوی در انســـتیتو واشنگتن گفت: رژیم مذهبی ایـــران با فعالیت‌های خود و حمایت از تروریســـم تهدیدی علیه منطقه و جهان به شمار می‌آید. آیا این جملات شـــما را یاد سخنان مشابه محمد بن سلمان نســـبت به ایران نمی‌اندازد؟»، «رضا پهلوی پیشنهاد داده‌اند کشـــورهای غربی اموال ایران در خارج از کشـــور را ضبط کرده و آن‌ها را در اختیار «مخالفان دموکـــرات حکومت ایران» قرار دهند. به گمانم والاحضرت مامان فرح پول توجیبی را قطع کرده‌اند»، «من اگه به جای رضا پهلوی بودم سعی می‌کردم کمتر صحبت کنم تا دستم برای مردم رو نشه».

بنیادی برای لاپوشانی دزدی‌ها

همین یک جمله رضا پهلـــوی و پرونده‌ای که در فضای مجازی در مورد فسادهای مالی این خانواده باز شده، بهانه خوبی اســـت تا نگاهی بیندازیم به آنچه از مال و اموال ملت که این خانواده با خودشان از کشـــور خارج کردند. تقریباً پنج سال پیش و در مســـتند «از تهران تا قاهره»، فرح پهلوی ادعا کرد که «اموال شاه هنگام فرار از ایران تنها ۶۲ میلیون دلار بوده اســـت!» فرح پهلـــوی در این گفت‌وگو و مصاحبه‌های بعد از آن بارها از شرایط سخت زندگی در خارج از ایران گفت اما هیچ‌وقت اعلام نکرد اگر منابـــع مالی چندانی در اختیارشـــان نبوده، منابع مالی کمک‌های مالی فراوان وی و بنیاد پهلوی به مخالفان نظام جمهوری اسلامی و زندگی اشرافی در خارج از ایران از کجا تأمین می‌شـــده است. شاه در ســـال ۱۳۳۷ شمسی «بنیاد پهلوی» را تأسیس کرد و بخشی از مایملک خود اعم از میهمانخانه‌ها، ســـهام کارخانه‌ها، شرکت‌ها و بانک‌ها را در اختیار این بنیاد قرار داد.در مهر ۱۳۴۰، شاه برای سرپوش گذاشتن بر اموال نامشروع خود فرمان وقف دارایی بنیاد پهلوی به امور خیریه را صادر کرد. در صورتی که اکثر اعضای هیئت امنای آن خود شـــاه و دربار بودند. علاوه بر این‌ها مبالغ هنگفتی از درآمد نفت، به صورت اعتبارات بانکی در اختیار بنیاد پهلوی قرار می‌گرفت.در این حالت خاندان پهلوی نه‌تنها اموال قبلی خود را از دست نداد بلکه درآمدهای نفتی و... هم به آن اضافه شد.

گرچـــه اهداف این بنیاد به ظاهر خیرخواهانه و در جهت توســـعه آموزش و پـــرورش، اعطای بورس تحصیلی و از این قبیل مطرح می‌شـــد اما خانواده پهلوی علاوه بر چپاول هدایا و وام‌های بین‌المللی که برای این بنیاد گرفته می‌شـــد با داشتن ۲۰۷ مؤسسه اقتصادی از قبیل شرکت‌های ساختمانی، معدنی، کشاورزی، بیمه، بانک و هتل‌ها و کازینوها (قمارخانه‌ها) و کاباره‌ها و مراکز فساد، سلامت نظام اقتصادی را برهم می‌زدند. بســـیاری از این اموال و مســـتغلات در زمان انقلاب از دســـت درباریان و وابستگان به حکومت پهلوی خارج شد اما تکلیف امـــوال و املاک خارج از ایران همچنان مبهم باقی مانده اســـت به عنوان مثال می‌توان به ساختمان بنیاد پهلـــوی در نیویورک کـــه ارزش دفتری آن در ســـال ۱۳۵۴، ۱۴/۵ میلیون دلار بوده اســـت اشاره کرد یا پروژه کانال اســـتریت در نیواورلئان. ســـهام شـــاه در پروژه‌های بین‌المللی آن‌قدر زیاد بود که برخی منابع خبـــر از دقیقه‌ای ۶۰۰۰ دلار و ســـالانه افزون بر ۳ میلیارد دلار ســـود خالص از محل سرمایه‌گذاری‌های شاه در نقاط مختلف دنیا می‌دادند. روزنامـــه «نیویورک‌تایمز» در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۷۹، با اســـتناد به گفتـــه‌ی منابع بانکی جهانی نوشت که فقط اوراق بهادار متعلق به شاه، بیـــش از یک میلیارد دلار قیمت دارد و نیز مبلغی بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار تنها در طول این دو ســـال آخر (۱۳۵۶ و ۱۳۵۷) از ســـوی خانواده سلطنتی ایران به آمریکا منتقل شده است.

۱۰۰میلیارد دلار نه ۶۰ میلیون

در باره ثروت محمدرضاشـــاه پهلوی، ارقام و اعداد نجومی بسیاری روایت شده است که دور وبری‌های شاه آن را کاملاً تأیید می‌کنند. حسین فردوست، دوســـت و همراه همیشگی شـــاه نیز در خاطرات خود اشـــاره کرده اســـت که پس از رفتن رضاشاه، املاک زیادی به محمدرضا رسید. درآمد وی تنها از مستغلات شمال، سالی ۶۲ میلیون تومان بود.

اردشـــیر زاهدی نیز درباره‌ی میزان ثروتی که شاه موفق به انتقال آن‌ها به خارج از کشور شد، چنین نوشته است: «دادستان تهران در زمان شریف امامی، فهرســـت دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به‌شکل ارز خارج کرده بودند، اســـتخراج کرد. در میان این فهرست، شخص اعلی‌حضرت تا آن زمان ۳۱میلیارد دلار از کشور خارج کرده بود».

فرح پهلـــوی و فرزنـــدان او در حالی بـــا آه و ناله می‌گویند اموال شـــاه تنها ۶۰ میلیون دلار بوده و الآن کفگیرشـــان ته دیگ خورده که اســـناد بانک مرکزی و دادســـتان تهران در زمان شریف امامی، نشـــان می‌دهد در سال ۱۳۵۷ تنها مقامات دولتی ۱۳ میلیارد دلار ارز طی دو ماه خارج کردند و شاه و اطرافیانش مســـلماً مبلغی بیش از این به تاراج برده‌اند. اســـناد و مدارک موجود در ایران نشـــان می‌دهد بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران، شامل ۲۲۰ هکتار زمین، قبل از خروج او از کشور، در سال ۵۷ به فروش رفته و به‌صورت ارز از کشور خارج شده اســـت. ارزش ثروت تقسیم‌شده شاه از ۱۲۰ میلیون دلار برطبق گفته بعضی وابستگان به خانواده پهلوی، تا رقـــم رؤیایی ۱۰۰ میلیارد دلار، طبق برآوردهای برخی نویسندگان و روزنامه‌نگاران، متغیر است. عباس میلانی نیز رقمی نزدیک به یک میلیارد دلار را نزدیک‌تر به واقعیت می‌داند و هنوز هم مشخص نیست چه میزان از ثروت ایران توسط او و خاندانش به یغما رفته است.

دزدهای سلطنتی

اما یکی از معماهایی که در این ســـال‌ها هنوز حل نشده است، جواهر و میراث ملی‌ای است که خاندان پهلوی از کشـــور خارج کرده‌اند و در این سال‌ها به هیچ‌کس و هیچ‌کجا جواب درســـت و روشنی در ایـــن زمینه نداده‌اند. عبـــاس میلانی این وضعیت را این‌گونه روایـــت می‌کند:«از صبح ۲۶ دی ضرب زندگی در دربار تندتر شـــده بـــود. همه‌چیز انگار در حال تعلیق بود. مبل‌ها را پوشـــانده و بسیاری از نقاشـــی‌ها را از دیوار پاییـــن آورده بودند. اینجا و آنجا جعبه‌هایی دیده می‌شـــد. سفر شاه و ملکه قریب‌الوقوع به نظر می‌رســـید. دو روز قبل از سفر، چهارده بســـته بزرگ، پر از متعلقات شاه و خاندان ســـلطنتی، به فرودگاه برده شده بود. اندازه این ۱۴ بسته در حدی بود که عملاً یکی از دو هواپیمایی را که قرار بود شـــاه و همراهانش را به خارج ببرد، پر می‌کرد. چند روز قبـــل، هواپیمای اختصاصی کوچکی، الیاسی، یکی از خدمتکاران معتمد شاه را به ژنو برده بود. الیاســـی اوراق بهادر و دیگر اسناد ارزشمند شاه را به‌همراه خود به سوئیس برد. چند و چون این پرواز یک‌ســـر محرمانه نگه داشته شد. محتویات آنچه الیاســـی به سوئیس برد نیز روشن نیست». رئیس کل تشـــریفات دربار، آغاز عملیات خروج شـــاه و همراهان را در ۲۴ دی‌ماه ۵۷ اعلام کرد. او دستور داد برچسب‌های شناسایی چمدان‌ها، بسته‌ها و صندوق‌های شاه، که منقش به آرم دربار و ســـلطنتی بود، به درون کاخ نیاوران آورده شود تا تشـــریفات لازم و آخرین شناسایی درباره آن‌ها صورت بگیرد. برچسب‌های اختصاصی دربار اینک آماده شـــده بود تا به چمدان‌ها و صندوق‌ها الصاق گردد. یک تیم از افراد مـــورد تأیید فرح در دربار، جمع‌آوری و بســـته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهر و الماس‌هـــای گرانبها، ســـاعت‌های تمام‌طلا، تاج و نیم‌تاج‌های تمام زمرد را برعهده داشـــتند و این کالاهای ارزشـــمند نیز در ۳۸۴ بســـته و چمدان کوچک جای گرفـــت. بســـته‌بندی و جمع‌آوری دلارهـــای آمریکایی، که از ماه‌هـــا قبل نقداً جمع شده بودند، توسط بخش مالی دربار انجام شد. تاج شاهنشاهی با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ حبه مروارید و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد معتنابهی از جواهر دیگر و طـــلا به ارزش ده‌ها میلیون دلار، بخش اندکی از جواهرربوده‌شده سلطنتی هستند». شاید آن روزی که محمدرضا شاه کتاب ماموریت برای وطنم را می‌نوشت، احتمالا منظورش از وطن جیبش بوده نه ایران!

عکس: محمد علی رضایی / قدس

گفت‌وگو با کارگر و نگهبان ساختمانی که اولین کتابش دو هفته‌ای به چاپ دوم رسید

نویسندگی با دست‌های پینه بسته

مردم / عباسعلی سپاهی یونسی | فرهاد ساربانی آدم جالبی است. نگهبان ساختمان و کارگر است اما حالا نویسنده هم شده است. همین سال قبل با ۸۷ هزار تومان به ترکیه سفر کرده است.

حالا هم منتظر چاپ ۲ کتاب دیگرش است. آدرس محل گفت‌وگو را که می‌دهد می‌گوید: وارد خیابان که شدید کانکس معلوم است من همان تو هستم.

صبحی با عکاس روزنامه می‌رویم و او در کانکس نگهبانی که تختی ته آن گذاشته و ساک و مقداری لباس کارگری بر دیوارش آویزان کرده است پذیرای ما می‌شود. دیوارهای کانکس با نوشته‌هایی درباره کتاب، مطالعه، موفقیت و این جور چیزها پر شده است.

کارگری را از کی شروع کردی؟

من بچه تربت جام هستم و متولد ۱۳۶۹. فرزند اول خانواده هستم. ۴ برادر و یک خواهر هستیم. پدرم کارگر بوده من هم با این که تا دیپلم درس خواندم شغل پدرم را انتخاب کردم که کار کردن سر کوره آجر پزی بود. کار کردن سر کوره از آن کارهای سخت است اما پدر م اواخر کارش شده بود سرپرست برای همین من که بیشتر تابستان‌ها کار می‌کردم، فشار کارم کمتر بود. چون پدرم سرپرست بود خیلی اذیت نمی‌شدم هر چند باز هم کار کوره کار راحتی نیست.

چرا درس را ادامه ندادی؟

سال اولی که کنکور دادم قبول نشدم. بعد هم زمان سربازی رفتنم رسیده بود و مجبور شدم بروم سربازی. البته متاهل هم شده بودم. از خدمت هم که آمدم باید کار می‌کردم و این‌ها باعث شد مجالی برای ادامه تحصیل نباشد. آدم وقتی سرش شلوغ باشد و مجبور باشد با کارگری هزینه زندگی را بدهد دیگر وقتی نمی‌ماند که دنبال درس و مشق برود.

الان دوست نداری دنبال درس بروی؟

چرا اتفاقا خیلی دوست دارم. اما باید شرایطش فراهم بشود الان کارگرم و متاهل و دو بچه هم توی راه داریم. نگهبانی طوری است که باید ۲۴ ساعت این جا باشم اما تصمیم دارم ادامه تحصیل بدهم.

> **برش**
>
> پرس و جویی کردم و فهمیدم نزدیکی محل کارم کتابخانه وجود دارد برای همین یک روز به کتابخانه رفتم و عضو کتابخانه شدم. با خودم فکر کردم شب‌ها که سرم خلوت‌تر است، برای خودم کمی کتاب بخوانم

چی شد که نگهبان ساختمان شدی؟

خیلی از دوستانی که می‌شناختم برای کارگری به مشهد آمده بودند. وقتی یکی از شهر کوچکی برای کار به شهر بزرگتری می‌آید معمولاً اگر کار دیگری پیدا بشود به دوستان و اقوامی که دنبال کار هستند خبر می‌دهد. من هم همین طوری از طریق معرفی دوستان آمدم برای کارگری.

خانواده‌ام در تربت جام هستند اما خودم این جا هستم. دو بچه دارم و یک دو قلو هم توی راه داریم.

چه طور شد که کتاب نوشتی؟

به خواندن و نوشتن علاقه داشتم. برای خودم ایده پردازی می‌کردم به بحث و خلاقیت و اختراع هم علاقه‌مند بودم و هنوز هم هستم. قبل از این که برای نگهبانی سر این ساختمان بیایم جای دیگری نگهبان ساختمان در حال ساخت بودم. آن جا پرس و جویی کردم و فهمیدم نزدیکی محل کارم کتابخانه وجود دارد برای همین یک روز به کتابخانه رفتم و عضو کتابخانه شدم. با خودم فکر کردم شب‌ها که سرم خلوت‌تر است، برای خودم کمی کتاب بخوانم. همزمان با بعضی از کانال‌ها آشنا شدم که درباره موفقیت و این جور موضوعات بودند. خلاصه راهم به کتابخانه باز شد و برای خودم کتاب می‌گرفتم و بعد از خواندن کتاب دیگری می‌گرفتم. موضوعات مورد علاقه‌ام در ابتدا در همین موضوع موفقیت و مباحث این چنینی بود. بعد از مدتی، ساختمانی که نگهبانش بودم تکمیل شد برای همین مجبور شدم به نقطه دیگری از شهر بیایم و از کتابخانه دور شدم ولی فکر کردم ارتباطم را با کتابخانه حفظ کنم.

همین دور و بر محل کار جدیدت کتابخانه دیگری پیدا کردی؟

نه! من هنوز به همان کتابخانه قبلی می‌روم. فاصله‌ام با کتابخانه زیاد شده است. بعضی روزها که کار کمتر است و کارگرها هم هستند با اتوبوس می‌روم و بر می‌گردم. رفت و برگشتم ۲ ساعتی طول می‌کشد البته اگر در کتابخانه هم برای انتخاب کتاب معطل نشوم.

راهم دور است اما من به عشق کتاب این فاصله را می‌روم و بر می‌گردم. دوست ندارم در این کانکس که اتاق من شده است وقتم به بیهودگی بگذرد. فکر می‌کنم باید کاری بیش از نگهبانی انجام بدهم. اوایل کتابداری که کتاب به من می‌داد، شغلم را نمی‌دانست اما الان می‌داند که نگهبان ساختمانم، حتی کتاب هم نوشته‌ام. آخرین بار که رفتم کتابم را با خودم بردم. گفتند یک نسخه از کتابت را بگذار که بفرستیم برای نهاد کتابخانه‌ها. تشویقم کردند و البته تعجب هم کرده بودند که یک کارگر توانسته است کتاب بنویسد. این تعجب را خیلی دیده‌ام. خیلی از مردم وقتی می‌شنوند کتاب را خودم نوشته‌ام تعجب می‌کنند.

برش ۱

سفر ۸۷ هزار تومانی

ماجرای سفرت به ترکیه چی بود؟

من به سفر کردن خیلی علاقه دارم. دلم می‌خواهد بروم شهرها و حتی کشورهای دیگر را ببینم و تجربه‌ام بیشتر شود برای همین گفتم بد نیست به یک کشور سفر کنم و آن کشور ترکیه شد.

سفرم به صورت هیچهایک انجام شد. درباره این نوع سفر چیزهایی در اینترنت خوانده بودم.

برای همین خودم را سال قبل آماده کردم تا به سفر بروم. تصمیم گرفتم به ترکیه سفر کنم چون ترکیه ویزا نمی‌خواست و هزینه خروجی هم ۲۵ هزار تومان بود. آن زمان من توی جیبم کلا ۸۷ هزار تومان پول داشتم یک هفته هم تعطیل بودیم فکر کنم برج ۷ بود. به خانواده‌ام چیزی نگفتم. با خودم فکر کردم اگر متوجه بشوند منصرفم می‌کنند برای همین دیرتر به آن‌ها اطلاع دادم.

گذرنامه و گواهی نامه‌ام را همین روزهایی که نگهبان ساختمان بودم گرفته بودم و از بابت گذرنامه مشکل نداشتم. تربت جام بودم و از همان جا راهی سفر شدم.با ماشین‌های گذری خودم را به مرز ایران و ترکیه رساندم و در اولین شهر ترکیه که در مسیرم قرار داشت یعنی شهر دُغو بایَزید یک شب ماندم و فردا دوباره راهی ایران شدم.

قبل از این که از مرز خارج بشوم ماجرا را به خانمم اطلاع دادم. خانمم اصرار کرد که ممکن است اتفاقی بیفتد برای همین می‌خواست از سفر به ترکیه منصرف بشوم و برگردم اما من تصمیم گرفته بودم این سفر را تجربه کنم و قول دادم زود بر گردم.

خلاصه من با ۸۷ هزار تومان به ترکیه رفتم و یک شب خوابیدم و سوغاتی کوچکی برای دختر و خانمم گرفتم و دوباره وارد مرز ایران شدم. یکی از دوستانم که ماجرای سفر من را فهمید گفت تو از پراید کم مصرف‌تری چون اگر با پراید خواسته باشیم از تربت جام تا مرز برویم باید کلی پول بنزین بدهیم.

برای من این سفر تجربه بسیار جالبی بود البته قبل از آن با یکی از دوستانم سفر مشابه ۵ روزه‌ای تا شمال رفتیم.

برش ۲

از چیزهایی نوشته‌ام که با آن‌ها زندگی کرده‌ام

خب جریان نوشتن را کامل توضیح ندادی؟

من گاهی چند خطی می‌نوشتم ولی شکل منسجمی نداشت. از طریق تلگرام با کانال شاهین کلانتری و بعضی کانال‌های دیگر که درباره نوشتن آموزش می‌دادند آشنا شدم. تشویق شدم جدی‌تر بنویسم برای همین چیزهایی را که داشتم سر جمع کردم و به فکر افتادم که آن‌ها را به صورت کتابی چاپ کنم. جستجویی در فضای مجازی و جاهایی که بلد بودم کردم تا برای کتابم ناشری پیدا کنم. از این طرق با نشر آرسس آشنا شدم و این نشر، ناشر کتابم شد.

نوشته‌های من که در کتاب آورده‌ام همه برگرفته از اتفاقات واقعی زندگی خود من است غیر از یکی دو مورد که نقل قول شده است. من از چیزهایی نوشته‌ام که با آن‌ها زندگی کرده‌ام. همه این موضوعات انگار نوشته شده در ذهنم ذخیره بودند و وقتی که تصمیم گرفتم همه آن‌ها را به صورت یک کتاب در بیاورم انگار فقط لازم بود پاکنویس بشوند. برای همین در مدت کمی همه را نوشتم و آماده نشر کردم.

وقتی کتابت چاپ شد چه حس و حالی داشتی؟

خوشحال بودم چون نتیجه کارم را می‌دیدم و به قول معروف شاد بودم که محصول خودم را می‌بینم و توانسته‌ام کاری غیر از نگهبانی انجام بدهم. در تربت جام آدم‌های دیگری هم کتاب نوشته‌اند اما تعداد آن‌ها زیاد نیست. از طرفی وضعیت من مثلا با یک معلم یا استاد دانشگاه که کتاب می‌نویسد خیلی فرق دارد.

خانواده از چاپ کتابت خبر داشتند؟

نه اول به آن‌ها چیزی نگفتم می‌خواستم ببینم به کجا می‌رسد وقتی کتاب چاپ شد و آن را دیدند خیلی خوشحال شدند.

الان همچنان کتاب‌هایی درباره موفقیت مطالعه می‌کنی یا در موضوعات دیگر هم کتاب می‌خوانی؟

من اول مطالعه کتاب‌های موفقیت را شروع کردم اما حالا رمان هم دوست دارم و می‌خوانم مثلاً همین تازگی کتاب دیوید کاپرفیلد نوشته چارلز دیکنز را مطالعه کردم و از آن خوشم آمد.

واکنش آدم‌هایی که سر ساختمان کار می‌کنند بعد از چاپ کتابت چه‌جوری بود؟

برای آن‌ها هم این اتفاق جالب بود. از وقتی دوستانم فهمیدند من کتاب چاپ کرده‌ام با احترام بیشتری با من برخورد می‌کنند من هم سعی می‌کنم چاپ کتاب باعث تغییر منفی در رفتارم نشود.

گویا به زبان هم علاقه داری این را از یکی از نوشته‌های کتاب متوجه شدم و این نوشته‌های انگلیسی که به دیوار زده‌ای؟

امروز لازم است زبان انگلیسی هم بلد باشیم چون یک زبان بین‌المللی است. من هم به زبان انگلیسی علاقه دارم و هم ترکی استانبولی. سعی کرده‌ام با استفاده از کتاب و تلگرام و اینترنت تا جایی که می‌توانم زبان یاد بگیرم.

برش ۳

اولین رمان یک نگهبان ساختمان به زودی چاپ می‌شود

در جایی از صحبت‌هایش درباره ایده‌ها و اختراعاتی که دوست داشتی انجام بدهی برایمان گفتی یکی از ایده‌های من این بود که عروسکی را به بیسیم مجهز کنم تا هر مادری که آن را بخرد بتواند از طریق این عروسک با فرزندش ارتباط بیسیمی برقرار کند. شکل ماجرا این بود که داخل عروسک یک بیسیم با برد کم بگذارم که ارزان‌قیمت هم باشد بعد مادر مثلا می‌توانست بدون این که کودک ماجرا را بفهمد از اتاق بغلی یا دورتر مثلا در قالب عروسک با بچه‌ای که با آن بازی می‌کند ارتباط برقرار کند. حتی نوع پیشرفته‌تر این عروسک می‌توانست به شکلی باشد که در چشم‌هایش دوربین کار گذاشته بشود و مثلا از طریق تلفن همراه با این عروسک ارتباط گرفت. برای ثبت اختراعم به یکی از شرکت‌هایی که ثبت اختراع می‌کنند مراجعه کردم. ۵۰۰ هزار تومانی پس‌انداز کرده بودم که آن جا هزینه شد. بعد از من خواستند یا خودم نقشه الکترونیک کارم را بکشم یا هزینه‌اش را بدهم تا برایم بکشند ولی من هزینه‌اش را نداشتم. از طرفی فکر کردم این هزینه را هم بدهم حتما هزینه دیگری هم پیش می‌آید و دنبالش نرفتم.

فروش کتابت چه‌جوری بود؟

من کتابم را خودم می‌فروشم. برادری دارم که او هم مشهد کار می‌کند و شب‌ها برای خواب این جا می‌آید. شب‌هایی که او زود از سر کار بر می‌گردد من فرصت دارم که برای فروش کتابم بیرون بروم ولی بعضی شب‌ها هم دیر از سر کار بر می‌گردد و من نمی‌توانم بیرون بروم. کتابم را خودم می‌برم و به مردم معرفی می‌کنم.

بعضی‌ها می‌گویند فرصت کتاب خواندن ندارند و یا بعضی می‌گویند در موضوعات دیگری کتاب می‌خوانند اما بعضی‌ها هم هستند که کتابم را می‌خرند. اول با خودم فکر می‌کردم باید کتابم را در بنگاه‌های املاک و بین کارگران ساختمانی بفروشم. یادم هست یک روز وارد بنگاه املاکی شدم که چند نفر نشسته بودند. گفتم کتابی برای فروش دارم یکی از آدم هایی که نشسته بود، گفت ما خودمان این جا نشسته‌ایم تا یکی بیاید و کلاهش را برداریم بعد تو می‌خواهی به ما کتاب بفروشی و بقیه هم خندیدند اما توی بنگاه‌ها هم از من کتاب خریده‌اند و بعضی وقت‌ها از این شوخی‌ها هم کرده‌اند.

بعد با خودم فکر کردم حتما بین بقیه شغل‌ها هم کسانی پیدا می‌شوند که کتابم را بخرند و خوشبختانه تقریبا ۴۰۰ جلد چاپ اول یک ماه نشده تمام شده است و الان قرار است کتاب چاپ دوم بشود.مهندس ساختمانی که این جا پیشش کار می‌کنم هم برای فروش کتابم به دوست و آشنا کمک کرد.

ناشرم از این که خودم در فروش کتاب کمک کردم راضی بود و گفت که این حرکت در تمام شدن چاپ اول کتاب مؤثر بوده است. می‌گفت بعضی‌ها فقط کتاب چاپ می‌کنند و به فروشش کار ندارند و به قول معروف برای فروشش حرکتی نمی‌کنند اما من این کار را کردم و نتیجه هم گرفتم. حالا هم مشغول کارهای کتاب دومم با نام سفرهای شگفت انگیز یک نگهبان ساختمان و کتاب سومم با نام رابینسون اولین رمان یک نگهبان ساختمان هستم.

حاشیه

برش‌هایی از کتاب فرهاد ساربانی

ماسه و سیمان

کارگر، دست سیمان را گرفت و نزدیک ماسه برد، دیگر وقتش رسیده بود که سیمان از دوستان قدیمی‌اش خداحافظی کند، لحظات انتظار به پایان رسید و عاشق و معشوق به‌هم رسیدند و یکی شدند. ماسه شروع به گفتن از رویاهایش کرد، از عشق پاکی که در وجودش نهفته بود، می‌گفت، از اینکه تا آخر پای او می‌ایستد، سیمان هم با دل وجان گوش می‌کرد. کارگر گاهی جای آن‌ها را عوض می‌کرد و این بار سیمان شروع به گفتن از تعهد و صداقتش می‌کرد و ماسه سر و پا گوش بود، آن‌ها چنان شیفته یکدیگر شده بودند که کسی نمی‌توانست آن‌ها را از هم جدا کند. کمی آنطرف تر، آجر پیر از اجدادش «خشت» می‌گفت و از خاطرات خودش که سالها در مکانی دیگر بوده و پس از تخریب، او را به اینجا آورده بودند، او به آجرهای تازه پخته شده نصیحت می‌کرد و می‌گفت نگذارید رنگ و نژاد باعث تفرقه شما بشود. آجر زرد و قرمز، سفید و سبز نداریم همه آجر هستیم و هر کدام بهر کاری، همه باید در این ساختمان مصرف بشویم و هدف همه، ساخت این بنا هست. ماسه و سیمان غرق در تفکر بودند که سطل آبی روی سرشان خالی شد. صدای بنا می‌آمد که بجنبید و کارگری که جواب داد آماده است. ماشین را آوردند و عاشق و معشوق را سوار کردند و شتابان آن‌ها را رهسپار منزلشان نمودند. کمی جلوتر شاگرد بنا با تیشه به جان آجرهای شرور افتاده بود و گردنشان را قطع می‌کرد، بدن، سمت سرزدها و سر، سمت بلوکه‌ها می‌افتاد. هر چه نزدیک‌تر می‌شدند دلهره شان بیشتر می‌شد. اینکه آینده شان چه خواهد شد و سرنوشت با آن‌ها چه خواهد کرد. نگرانی‌شان با شنیدن صدای ناظر کم شد که در مورد کیفیت مصالح و مبحث ۱۹ ساختمان سخن می‌گفت. ناظر جلوی ماسه و سیمان را هم گرفت و آن‌ها را راهی آزمایشگاه نمود. خدا کند جواب آزمایش مثبت باشد.

شام کارگران

از شام آخر، شام غریبان و شام عروسی که بگذریم می‌رسیم به شام کارگران، که درست کردن این شام و متعلقاتش یعنی شستن ظرف‌ها، نانوایی و خرید هر کدام داستانی دارد برای خودش. خدا رحمت کند این همسایه‌هایی که گاهی غذا می‌آورند و از مشاجره، خونریزی و جنگ جهانی سوم جلوگیری می‌کنند. به این‌ها باید جایزه صلح نوبل داد. با این که توی اتاق، ماکارونی، بادمجون، عدس و بقیه حبوبات هست اما چه کسی، جان فدایی کند و توی این هوای سرد برود بیرون ظرف بشوید یا یک ساعتی وقت بگذارد و شام درست کند خدا می‌داند. چون آخه، هر کسی قبلا وظیفه‌اش را انجام داده، یکی کتری را ظهر آب کرده، یکی نانوایی رفته و هم قندان را قند کرده! یعنی عملا دو تا کار انجام داده، یکی هم زیر اجاق را روشن کرده، یکی هم دیروز ماهیتابه را شسته بوده حالا کی شام درست کند الله اعلم. آخر سر، مثل همیشه ساعت یازده، دوازده شب همه سر تخم مرغ به تفاهم می‌رسیم و غذایی که قرار بود امشب بپزیم میفته برای فردا شب. بعضی شبها هم، کسی که کار کمتری انجام داده، از فواید نخوردن شام و خوابیدن با معده خالی صحبت می‌کند که همه را متقاعد کند بدون شام بخوابیم هر چند خودش در باطن به حرفهایش اعتقاد ندارد و فقط می‌خواهد دم به تله ندهد. البته غیر از ما کارگران ساختمان، خونه مجردی‌ها و دانشجوها هم با این داستان‌ها کم و بیش آشنا هستند.

ماله

گوشی‌ام را بر می‌دارم و یواشکی می‌روم سمت انبار. از پشت در، نیم‌نگاهی به داخل می‌کنم، می‌بینم انبار را روی سرشان گذاشته‌اند. تا صدای باز شدن در را می‌شنوند هر کسی بدو بدو سر جایش می‌رود. بیل بیچاره پایش به کلنگ گیر کرد و زمین خورد اما سریع بلند شد و سرجای خودش رفت. کلاه ایمنی هنوز حواسش نبود و داشت اون وسط قر می‌داد. دهان استانبولی هم می‌جنبید و به زور داشت لقمه‌اش را پایین می‌داد اما طوری وانمود کرد که آب دهانش را قورت داده. شروع به گرفتن آمار کردم، چهره بیل هنوز مشخص بود که دارد درد می‌کشد و منتظر فرصتی بود تا یک پشت بیل به کلنگ بزند، کلنگ هم یک نشانی می‌دهد. منتظر همین فرصت بود تا با او درگیر شود. اسم هر کی را می‌برم خودش را یک نشانی بده

تیشه..............بله
تراز...................بله ماله...............................
ماله.........

شاقول می‌گوید: آقا از صبح که رفته هنوز نیامده، متر کوچولو ترسید و گفت نکند توی راه او را دزدیده باشند که سیم جوش گفت دهانت را گاز بگیر!

صدای کلنگ هم می‌آمد که به بیل می‌گفت صبر کن بعدا، دهانت را گچ می‌گیرم، حالا بیل برایش چه گفته بود خدا می‌داند.
فرغون پیر از آن گوشه گفت: تا هوا تاریک نشده پیدایش کنید. توی همکف سراغش را از خاک گچ‌ها می‌گیرم سرشان را به علامت نه تکان می‌دهند داخل طبقه اول می‌روم، سیمان می‌گوید چرا دیدمش از صبح همین‌جا بود اما الان. هر چی صدا می‌زدیم جوابی نمی‌آمد طبقه دوم را هم دنبالش گشتیم انگار دود شده بود رفته بود توی هوا. از پله‌ها پایین آمدم و رفتم کنار شیر آب تا دست‌هایم را بشویم. هوا هم تاریک شده بود، شیر را که بستم چشمم به ماله افتاد که پشت بشکه خوابیده بود. بالای سرش رفتم و بیدارش کردم و با دلخوری گفتم چرا اینجا خوابیدی؟ گفت: از صبح کلی سیمان را صاف کردم و خیلی خسته شدم، آمدم کنار بشکه تا آبی به سر و صورتم بزنم و لباسم را بتکانم که همین‌جا خوابم برد. گفتم: عیبی ندارد، دستش را گرفتم و بردمش پیش دوست‌هایش داخل انبار. این دفعه کمتر شلوغ کرده بودند. اما مطمئن بودم بعد من به افتخار پیدا شدن ماله دوباره شلوغ می‌کنند.

به بهانه ۲۷ آذر که در گرامیداشت شهید مفتح، روز وحدت حوزه و دانشگاه نام گرفت

حوزه و دانشگاه؛ وحدت در تراز «دوره امام و امت»

عکس: Leader.ir

اندیشه / دکتر محسن لبخندق | **مسئله وحدت حوزه و دانشگاه پس از انقلاب اسلامی همیشه در زمره دغدغه‌های رهبران و پشتوانه‌های فکری انقلاب اسلامی بوده، با این وجود در میان موافقان و مخالفان این ایده، چیستی، چرایی و چگونگی این وحدت محل مناقشات جدی و معرکه آرا بوده و هست.**

در پی هویتی جدید برای سوغات عالم مدرن

دانشگاه یک نهاد علمی برآمده از متن عالم مدرن است و لذا با تاریخ و سنت‌های علمی ما تفاوت‌های چشمگیری دارد.

انقلاب اسلامی از ابتدا در صدد بوده این سوغات عالم مدرن را در ذیل خود معنایی جدید بخشد و به وزن هویت خود به آن نیز هویتی نو دهد. انقلاب فرهنگی در فروردین ۵۹ شاید واضح‌ترین حرکت عملی سال‌های آغازین انقلاب برای تحقق این امر بود و البته در طی دهه‌های اخیر، می‌توان نمونه‌های عملی دیگری برای تأمین این دغدغه- مانند تأسیس نهادهای به اصطلاح دوزیست(حوزوی-دانشگاهی)- شاهد آورد.

ایده وحدت حوزه و دانشگاه را نیز ذیل همین رویکرد باید فهمید. به‌عبارتی اگر بپذیریم نهاد دانشگاه به دلیل هویت غربی زادگاهش، چالش‌هایی با پدیده انقلاب اسلامی دارد، اما حوزه که به روایت مشهور، بستر و زادگاه انقلاب است، در تلقی اولیه، تعارض ماهوی و ریشه‌داری با انقلاب اسلامی ندارد و لذا نزدیک شدن دانشگاه به حوزه می‌تواند به هم‌افق کردن آن با انقلاب اسلامی مدد رساند.

تاریخ تطورات نهاد روحانیت در عصر غیبت

اما بر خلاف قضاوت فوق، اگر نگاهی عمیق‌تر به واقعیت حوزه داشته باشیم، روشن می‌شود که این تلقی آن‌چنان که سرراست و واضح می‌نماید نیست. به چه دلیل؟ به این دلیل که ما اساساً با یک حوزه مواجه نیستیم و با گونه‌های مختلفی از حوزه مواجهیم. لذا باید به این پرسش هم بیندیشیم که وحدت دانشگاه با کدام حوزه؟

برای به تصویر کشیدن هویت‌های چندگانه حوزه می‌توان از برخی از تقسیم‌بندی‌هایی که پس از انقلاب از انواع حوزه و روحانیت ارائه‌شده گرته‌برداری کرد، اما در اینجا از قلم آیت‌الله جوادی آملی مدد می‌گیرم: «امام راحل رابطه بین مرجع و مقلد را به رابطه امام و امت ارتقا داد.

طراحی و پایه‌گذاری این اصل بنیادین، تحول سوم فقهی است که به دست توانمند آن حضرت به دست آمد؛ یعنی مرحوم وحید بهبهانی توانست رابطه فقیه و مردم را از رابطه محدث و مستمع بودن ارتقا بخشد و به سطح رابطه مرجع تقلید و مقلد برساند؛ ولی امام راحل انقلاب فرهنگی و فقهی کرد و پیوند فقیه و مردم را به رابطه امام و امت مبدل کرد». (بنیان مرصوص امام خمینی(ره)، صفحه ۲۵۰)

در این تحلیل، تاریخ تطورات نهاد روحانیت در عصر غیبت، به سه دوره تقسیم می‌شود. دوره اول، دوره‌ای است که رابطه عالمان دین با توده‌ها، رابطه «محدث-مستمع» است. دوره دوم دوره‌ای است که این رابطه به «مرجع-مقلد» بدل می‌شود و درنهایت در عصر امام خمینی(ره)، این رابطه به «امام-امت» ارتقا می‌یابد.

حقیقت ناب رابطه امام و امت

روشن است که نقاط عطفی که تاریخ را به قبل و بعد از خود تقسیم می‌کنند، همه مناسبات فردی، ساختارهای اجتماعی، نظام‌های معرفتی و... را در دو سوی خود منقلب می‌کنند. این واقعیت را می‌توان از مقایسه جایگاه عالمانی که در دوره اولیه حیات حوزه، صرفاً نقش نقل حدیث داشته‌اند با توان مراجع تقلید در سیاست، اقتصاد و مناسبات فردی و اجتماعی شیعیان در دوره دوم به راحتی فهمید.

تحولات تاریخی در هر یک از این مقاطع، صرفاً در نسبت عالمان دین با عموم مردم منعکس نمی‌شود، بلکه در ساختار درونی و مناسبات داخلی روحانیت نیز پیامدهای چشمگیری خواهد داشت. مثلاً با انتقال از دوره اول به دوم، محدثان و اصحاب نقل، در درون حوزه، در حاشیه «مرجعیت» منزلت و کارکردی جدید یافته و از نو معنا شده و سامان یافتند. به‌تعبیری، رکن جدید در دوره دوم-مرجعیت- صورت نوعیه جدیدی به حوزه‌های علمیه بخشید به‌گونه‌ای که همه اجزا و عناصر دوره تاریخی اول را ذیل خود معنا و انتظامی مجدد داد.

اما در دوره سوم که دوره «امام-امت» است، آیا این مناسبات در حوزه علمیه به اقتضای تغییر و تحولاتی که در سطح فرهنگ عمومی و توده‌های جامعه رقم خورده، رقم خورده است؟

پیش از پاسخ لازم است معنای امام و امت را بازخوانی کنیم تا بدانیم وقتی از رابطه امام-امت سخن می‌گوییم دقیقاً از چه سخن می‌گوییم؟ ممکن است منظور از «امام» منبعث از برداشتی کلامی از مفهوم امامت باشد، آن‌چنان که آیت‌الله جوادی آملی چنین تلقی‌ای عرضه می‌کند:

«هنگامی که ولایت در قالب یک مسئله‌ای کلامی و در قلمرو علم کلام مطرح شد، این کلام، فقه را سیراب می‌کند و سایه‌ای بر آن می‌افکند؛ آن‌گاه انسان سراسر فقه را با دیدگاه کلامی می‌نگرد.... ایشان [امام خمینی] از دیدگاه کلام به فقه نگریسته و از افق بلند کلام، مسائل فقهی را می‌نگرد». (بنیان مرصوص امام خمینی(ره)، ص ۲۵۰)

البته ممکن است نظریه و مشرب حضرت امام(ره) از افقی فراتر از علم کلام تبیین شود، آن‌چنان که علامه طهرانی آن‌را با خوانشی عرفانی بیان می‌کند: «ولی فقیهی را که اسلام معین می‌کند، یعنی اکمل افراد که به مقام انسانیت کامل رسیده و اسفار اربعه عرفا را طی کرده باشد. از عالم کثرت به وحدت پیوسته، در هر امری، مع‌الله و فی‌الله و بالله حرکت کند و بقا بعد از فنا داشته باشد». (ولایت فقیه در حکومت اسلام، جلد۲، ص۲۰۴)

با این وجود اگر دوره تاریخی سوم را برآمده از نظریه ولایت فقیه امام و انقلاب او در چارچوب همین نظریه بدانیم، می‌توانیم برای فهم معنای «امام» به‌جای رجوع به اصطلاحات و تحلیل‌های کلامی یا عرفانی، به متن کنش‌های حضرت امام و امت او رجوع کنیم. در این روش، معنای امام را به‌سادگی و به دور از حجاب مفاهیم می‌توان از واقعیت‌های عینیِ تعین‌یافته در متن جامعه و کنش‌ها و شعارهای مردم یافت. حقیقت ناب «امام-امت» در دوره رهبری امامین انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که امام در این دوره، یعنی آن کس که «خونی که در رگ امت است، هدیه به اوست»، یعنی «دست خدا که بر سر ماست»، یعنی «کسی که ما همه سرباز اوییم». در این تحلیل، امت دقیقاً یعنی «سرباز»، یعنی کسی که برای امام، حتی سر و جانش را می‌بازد.

ضرورت خودآگاهی تاریخی حوزه

اکنون به پرسش کلیدی بازگردیم. آیا حوزه ما، حوزه سرباز است؟ آیا حوزه مانند بسیاری از توده‌های جامعه در طی چهار دهه اخیر، خود را بخشی از امتِ «ولی» فهم کرده و تلاش کرده به اقتضای این فهم، خود را مجدد بیاراید؟ حوزه در حال گذار به عصر سوم است یا همچنان در دوره تاریخی دوم مانده و دچار تأخر تاریخی در قیاس با سایر اقشار امت است؟ فقه دوره سوم چه مختصاتی دارد و فقها و مراجع در این دوره چه جایگاهی در نهاد حوزه و چه نسبتی با امام امت خواهند داشت؟ مراجع تقلید، فقها، حکما، عرفا، اخلاقیون، اهل کلام و سایر فضلای حوزه تا چه اندازه در تعیین سرفصل‌های درسی، کنش‌های سیاسی، بازآفرینی ساختار درونی حوزه، تربیت طلاب، تبلیغ دینی و... به این امر تفطّن دارند که در راستای بسط ید امام جامعه مشی کنند و بازویی برای تحقق ولایت او باشند؟ آیا اساساً مفهوم «مرجعیت» با سربازی برای امام جامعه قابل جمع است و اگر آری چگونه؟ و... .

پاسخ به این سؤالات مستلزم تعمق در آن‌هاست که به زعم نگارنده نه در درون حوزه و نه در خارج از آن چندان به آن‌ها توجهی نشده است. لذا حداقل با دو حوزه مواجهیم: قسم اول، حوزه‌ای است که در دوره تاریخی دوم مستقر است و نسبت عالمان دین با مردم را در ذیل محور «مرجع-مقلد» فهم می‌کند. البته این بدین معنا نیست که ساکنان این دوره تاریخی همگی معارض انقلاب یا نظریه ولایت فقیه‌اند، بلکه بخش اعظمی از کسانی‌که در این دوره تاریخی مانده‌اند، کسانی هستند که هنوز به «خودآگاهی تاریخی» نرسیده‌اند و اساساً هویت این دوره جدید را نشناخته‌اند و لذا اگرچه در ظاهر همراه و مؤید انقلاب و نظریه ولایت فقیه‌اند، لکن به‌دلیل این عدم خودآگاهی تاریخی، همچنان نظریه ولایت فقیه را ذیل دوره تاریخی دوم می‌فهمند و از این‌رو از سنت‌های مقطع تاریخی دوم فاصله نمی‌گیرند.

اما قسم دوم، حوزه‌ای است که به دوره جدید، دست‌کم التفات دارد و لذا در تلاش است اقتضائات این دوره تاریخی که در سطح کلیت جامعه و در میان توده‌ها تا حدودی رقم خورده است را به فراخور نهاد روحانیت بازخوانی کرده و متناسب با بوم حوزه علمیه و در درون آن، این اقتضائات را تحقق بخشد.

نسبت حوزه با سرعت تحولات اجتماعی

البته باید توجه داشت که از آغاز دوره غیبت کبری که دوره تاریخی اول آغاز می‌شود تا زمانه وحید بهبهانی، بیش از ۸ قرن به طول می‌انجامد تا ظرفیت عبور جامعه شیعه از دوره اول به دوره دوم فراهم گردد. از آغاز دوره دوم تا زمانه امام خمینی(ره) نیز سه قرن می‌گذرد و حوزه در این سه قرن فرصت می‌یابد تا صدر و ساقه خود را به تناسب رابطه جدید مرجع-مقلد کاملاً بازآفرینی کند. بنابراین انتظار نمی‌رود که دوره تاریخی سوم، در طی چند دهه در متن حوزه علمیه کاملاً تجلی یابد، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که فرصت تحولات اجتماعی با اعصار گذشته بسیار متفاوت شده و همچنان که دوره ۸۰۰ ساله اول، در مقطع دوم به حدود ۳۰۰ سال کاهش می‌یابد، حوزه علمیه نیز به همین وزن باید سرعت تحولات درونی خود را در دوره سوم تنظیم کند. دغدغه اصلی در اینجا حرکت کند حوزه در این راستاست.

به فراخور مقدماتی که گذشت، اکنون می‌توان این پرسش را مطرح کرد که دانشگاه اگر با حوزه‌ای که در دوره تاریخی دوم مستقر است وحدت یابد، تا چه اندازه رافع دغدغه‌هایی خواهد شد که مبدأ شکل‌گیری ایده وحدت حوزه و دانشگاه بوده است؟ بخصوص اگر این وحدت میان دانشگاه با بخش‌هایی از حوزه محقق شود که در مقابل گذار از دوره دوم به دوره سوم مقاومت می‌کند و با دلایل سیاسی، صنفی، فرهنگی و حتی علمی و فقهی، در ظاهر و باطن در صدد تثبیت و بازتولید مناسبات دوره تاریخی دوم است. آیا این وحدت، خود معضلی در مسیر حرکت انقلاب اسلامی نخواهد شد؟

پاسخ به پرسش‌هایی که در متن این یادداشت عرضه شد ساده نیست، اما گریزی هم از اندیشیدن به آن‌ها نیست.

خبر

کتاب «اندیشه سیاسی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای» منتشر شد

فارس: کتاب «اندیشه سیاسی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای» تألیف سجاد رستمی‌پور، توسط مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد. این اثر که در ۹ فصل چاپ شده مفاهیم فرد، جامعه، فرهنگ، حاکم و حکومت را از دریچه اندیشه رهبر انقلاب تعریف کرده و سپس به چگونگی ارتباط آن‌ها در ساخت جامعه اسلامی پرداخته است.

گردهمایی فعالان فرهنگی تربیتی شهر مشهد در «صمیمانه با مردم»

معارف: گردهمایی فعالان فرهنگی تربیتی شهر مشهد با عنوان «صمیمانه با مردم» به همت مدارس علمیه حضرت مهدی(عج) و با همکاری نهادهای فرهنگی خراسان رضوی، صبح روز جمعه ۳۰ آذر در مسجد کرامت برگزار می‌شود. در این گردهمایی که به منظور ترویج گفتمان ارتباط مؤثر با توده مردم صورت می‌پذیرد، خاطرات ارتباط صمیمانه رهبر انقلاب در طول دوران حضور در مشهد توسط حجت‌الاسلام راشد یزدی بازخوانی می‌شود و آقای حسین یکتا به تبیین و ضرورت موضوع ارتباط مؤثر با مردم توسط فعالان فرهنگی و تربیتی می‌پردازد. همچنین در این گردهمایی، از کتاب «صمیمانه؛ تأملی در شیوه ارتباط مؤثر با مردم» تألیف حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت رونمایی خواهد شد و وی با همین موضوع سخنرانی خواهد کرد.

«بازخوانی پرونده تقریب؛ رویکردها و چالش‌ها» در دانشگاه ادیان و مذاهب

مهر: نشست علمی «بازخوانی پرونده تقریب؛ رویکردها و چالش‌ها» با حضور محمدتقی سبحانی و مهراب صادق‌نیا در دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی برگزار می‌شود. این نشست چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۷، ساعت ۱۲:۳۰ برگزار خواهد شد.

کتاب «نزاع با ایدئولوژی» روانه بازار نشر شد

مهر: کتاب «نزاع با ایدئولوژی» با موضوع مطالعه انتقادی نظریات عبدالکریم سروش در زمینه علوم انسانی، به همت اندیشکده برهان منتشر شد. «انحصارگرایی روش‌شناختی در علوم انسانی پوزیتیویستی»، «امکان مدخلیت دین در موضوع، روش و غایت علوم انسانی»، «مطلوبیت یا عدم مطلوبیت؟ مداخله حکومت دینی در تولید علوم انسانی اسلامی» و... از جمله عناوین ۱۲ گفتار این کتاب است.

شماره: ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۸۳۴۸ تاریخ: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۸۳۴۵-۱۳۹۷/۰۹/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صمد خدادادی کاریزی به شناسنامه شماره ۵۶۲ کد ملی ۰۷۴۸۵۹۹۲۶۶ صادره از تایباد فرزند حکیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی غیر محصور به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع پلاک شماره ۲۸۳ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت متقاضی و قسمتی از پلاک تائید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۴۲۵۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

غلامرضا آقازاده

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

شماره: ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۸۳۴۷ تاریخ: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۸۳۴۶-۱۳۹۷/۰۹/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صمد خدادادی کاریزی به شناسنامه شماره ۵۶۲ کد ملی ۰۷۴۸۵۹۹۲۶۶ صادره از تایباد فرزند حکیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی غیر محصور به مساحت ۵۲۵۱۵ متر مربع پلاک شماره ۲۸۳ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت متقاضی و قسمتی از پلاک تائید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۴۳۰۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

غلامرضا آقازاده

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

شماره: ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۸۳۴۹

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۸۳۴۴-۱۳۹۷/۰۹/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صمد خدادادی کاریزی به شناسنامه شماره ۵۶۲ کد ملی ۰۷۴۸۵۹۹۲۶۶ صادره از تایباد فرزند حکیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی غیر محصور به مساحت ۵۱۳۹۸ متر مربع پلاک شماره ۲۸۳ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت متقاضی و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۴۳۱۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

غلامرضا آقازاده

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

املاک واقع دربخش۶یزد - تفت و توابع

۴۲۸۲- اصلی - آقای محمد حسین فلاح تفتی ششدانگ خانه مخروبه بطور مفروز قسمتی از پلاک برابربه مساحت ۲۱۰ مترمربع بموجب رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۱۸۲۸مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۷ واقع در تفت درازای مالکیت رسمی مشاعی متقاضی

لذا به منظور اطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند.

بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ-۹۷۱۴۳۱۳

تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

علی محمد شبانیان تفتی - کفیل ثبت اسناد و املاک شهرستان تفت

رونوشت آگهی حصروراثت

نظربه این که آقای سید حبیب زارعی دارای شناسنامه شماره ۵۶۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۰۰۳ ازاین شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان سید محمد حسین زارعی به شناسنامه ۱۵۸۸۹ در تاریخ ۹۶/۵/۲۸ دراقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته وورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-سید حبیب زارعی فرزند سید حسین ش ش ۵۶۷ ت ت ۱۳۲۴/۱۲/۱۰ نسبت پدر مرحوم

۲-رقیه منتظری فرزند محمد حسن ش ش ۴ ت ت ۳۴/۱/۳ نسبت مادر مرحوم

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور رابه استناد ماده ۳۶۲ق امورحسبی یک نوبت آگهی می نماید تاهرکس اعتراضی دارد ویا وصیتنامه ازمتوفی نزد اوباشد ازتاریخ نشرآگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.آ-۹۷۱۴۳۱۵

قاضی شورا- شعبه یک شورای حل اختلاف شهرستان

ابلاغ وقت رسیدگی

به رضا ابوچناری فرزند محمد ابلاغ که جعفر محمدزاده فرزند رمضانعلی دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ سه میلیون و هفتصد هزار ریال بابت صدور دو فقره چک بشماره ۳۲۸۳۰۵ و ۳۳۸۳۰۶ علیه شما ارائه که به کلاسه ۹۷/۷۹۸ ثبت و برای مورخه چهارشنبه ۹۷/۱۱/۱۰ ساعت ۱۷ عصر وقت رسیدگی تعیین گردیده است. شما می توانید قبل از رسیدگی به شعبه مراجعه و ضمن اعلام آدرس خود نسخه ثانی دادخواست را دریافت نمائید. (م الف ۹۷/۱۰۰/۱۳۹۲)آ-۹۷۱۴۳۱۸

شعبه ۲ شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای روح اله سلیمان بیاتی دارای شناسنامه شماره۱۸۳۴ به شرح دادخواست به کلاسه . از این حوزه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان اسمعلی سلیمان بیاتی فرزند محمد اسمعیل متولد ۱۳۲۱/۵/۱۷ به شناسنامه شماره ۷ در تاریخ ۹۱/۶/۲۸در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن متوفی/ متوفیه منحصر است به:

۱.روح اله سلیمان بیاتی به شناسنامه شماره ۱۸۳۴ پسر متوفی

۲.محبوبه بیات به شناسنامه شماره ۳ همسر متوفی

۳. سمیه سلیمان بیاتی به شماره ملی ۶۴۷۹۹۵۲۸۳۹ دختر متوفی

۴. بهروز سلیمان بیاتی به شماره ملی ۳۸۶۰۱۲۸۲۵۶ پسر متوفی

۵. سمیرا سلیمان بیاتی به شماره ملی ۳۸۶۰۳۵۴۴۸۵ دختر متوفی

۶. زهرا سلیمان بیاتی به شناسنامه شماره ۵۱۹دختر متوفی

۷.آیت اله سلیمان بیات به شناسنامه شماره ۳۷۹ پسر متوفی

۸.ابوالفضل سلیمان بیاتی به شماره ملی ۶۴۷۹۳۲۶۲۸۸ پسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی /متوفیه نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف مدت یک ماه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.آ-۹۷۱۴۳۱۹

دبیر خانه حوزه ۱۱۱ شورای حل اختلاف فهاوند

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای روح اله سلیمان بیاتی دارای شناسنامه شماره۱۸۳۴ به شرح دادخواست به کلاسه .. از این حوزه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محبوبه بیات فرزند اسمعیل متولد ۱۳۳۵/۱/۴ به شناسنامه شماره ۳ در تاریخ ۹۶/۷/۵در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن متوفی/ متوفیه منحصر است به:

۱.روح اله سلیمان بیاتی به شناسنامه شماره ۱۸۳۴ پسر متوفی

۲. سمیه سلیمان بیاتی به شناسنامه شماره ۱۳۹۹دختر متوفی

۳. بهروز سلیمان بیاتی به شناسنامه شماره ۳۸۶۰۱۲۸۲۵۶ پسر متوفی

۴. سمیرا سلیمان بیاتی به شناسنامه شماره ۳۸۶۰۳۵۴۴۸۵ دختر متوفی

۵. زهرا سلیمان بیاتی به شناسنامه شماره ۵۱۹دختر متوفی

۶.آیت اله سلیمان بیات به شناسنامه شماره ۳۷۹ پسر متوفی

۷.ابوالفضل سلیمان بیاتی به شماره ملی ۶۴۷۹۳۲۶۲۸۸ پسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی /متوفیه نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف مدت یک ماه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد ۹۷۱۴۳۲۰

دبیر خانه حوزه ۱۱۱ شورای حل اختلاف فهاوند

شماره مزایده: ۱۳۹۷۰۴۳۰۷۱۴۱۰۰۰۰۸۴

تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۸

متن آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیر منقول(اسناد رهنی)

بستانکار: بانک پارسیان شعبه بجنورد

بدهکار: آقای محمدعلی محمدی(وام گیرنده و راهن)

مورد مزایده و محل آن: برابر درخواست وکیل بستانکار فوق وارده به شماره ۱۳۹۷۰۵۰۰۷۱۴۱۰۰۲۸۵۷-۱۳۹۷/۰۳/۰۶ نسبت به مزایده ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۸۰ متر مربع به شماره پلاک ۳۶۲۴ فرعی مجزی از ۳۲۴۶ فرعی از ۱۷۳ فرعی از ۱۶۴ - اصلی واقع در حصار بخش دو بجنورد که ذیل صفحه ۳۲۳ دفتر ۲۹۵ به نام آقای محمدعلی محمدی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۹ و شماره ملی ۰۶۸۲۲۸۰۷۱۲ وام گیرنده و راهن پرونده اجرائی کلاسه ۱۳۹۶۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۹۸۲/۱ و به شماره بایگانی ۹۶۰۱۰۸۱ صادر و تسلیم شده است و برابر سند رهنی شماره ۹۲۰۱- ۱۳۸۵/۰۸/۲۰ دفتر خانه اسناد رسمی ۲۱ شهر بجنورد در رهن بانک پارسیان می باشد و محدود به حدودزیر:

شمالاً:بطول ۸ متر پی دیوار به پی دیوار شمارات ۳۶۱۳ و ۳۶۱۲ مجزی شده

شرقاً: به طول ۲۲/۵۰ متر پی دیوار به پی دیوار ۳۶۲۵ مجزی شده.

جنوباً: به طول ۸ متر پی دیواریست به خیابان ۱۰ متری.

غرباً: به طول ۲۲/۵۰ متر پی دیوار به پی دیوار ۳۶۲۳ مجزی شده.

که توسط کارشناس مورد ارزیابی قرار گرفته و ششدانگ پلاک مذکور به مبلغ ۲/۴۶۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال(دو میلیارد و چهارصد و شصت و هشت میلیون ریال) برآورد شده و نظریه ارزیابی قطعی گردیده است ملک در روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۷/۱۱/۰۳- از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر در محل اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد واقع در بجنورد خیابان شریعتی شمالی جنب اداره ثبت شرکتها به مزایده گذاشته می شود، خریداران می توانند در وقت مقرر در محل برگزاری مزایده حاضر شده و در جلسه شرکت نمایند، مزایده فقط در یک نوبت برگزارمیگردد و از مبلغ دو میلیارد و چهارصد و شصت و هشت میلیون ریال (۲/۴۶۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریدار فروخته می شود و مطابق ماده ۱۳۶- آئین نامه اجراء کل مبلغ نقداً دریافت می گردد چنانچه زائد بر مبلغ مندرج در آگهی خریداری گردد حق مزایده نسبت به مازاد مبلغ ارزیابی بر عهده برنده مزایده است. پرداخت بدهیهای مربوط به آب و برق و گاز، اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره که رقم قطعی آنها معلوم نمی باشد تا تاریخ مزایده به عهده برنده مزایده است. مشخصات ملک مطابق نظریه کارشناس: ملک مورد ارزیابی به مساحت عرصه موجود ۱۷۲ متر مربع دارای اعیان در همکف به مساحت ۱۱۰ متر مربع به صورت یک واحد مسکونی و پارکینگ و راه پله و طبقه اول به مساحت ۱۲۰ متر مربع یک واحد مسکونی و در طبقه دوم به مساحت ۸۰ متر مربع یک واحد مسکونی با اسکلت دیوار باربر آجری با کلاف بتنی و سقف تیرچه و بلوک، نمای ساختمان سنگ و دارای انشعابات آب، برق، گاز برای سه واحدمجزی با قدمت ساخت حدود ۱۰ سال می باشد. واحدهای مسکونی در اختیار مستاجر می باشد، پروانه ساخت و پایان کار از طرف مالک ارائه نگردید.نشانی ملک جهت بازدید بجنورد- خیابان فردوسی امام سجاد ۴ پلاک ۳ می باشد.لازم به ذکر است طبق اعلام وکیل بستانکار ملک مذکور تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۰ توسط شرکت بیمه پارسیان تحت پوشش بیمه حوادث و آتش سوزی قرار گرفته است.تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷ آ-۹۷۱۴۳۲۸

حمید عزیزی رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

شماره مزایده: ۱۳۹۷۰۴۳۰۷۱۴۱۰۰۰۰۸۶ تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۹/۲۵

آگهی مزایده اموال غیر منقول اسناد رهنی

بستانکار: شرکت تامین اندیش پارس به وکالت از بانک پارسیان

بدهکار و راهن: آقای محمدحسن محمدی

مورد مزایده و محل آن: برابر درخواست وکیل بستانکار به شرح وارده به شماره ۱۳۹۷۰۵۰۰۷۱۴۱۰۰۹۳۱۵-۱۳۹۷/۰۷/۰۴ نسبت به مزایده ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۷۵ متر مربع دارای پلاک ثبتی به شماره ۲۸۵۵ فرعی از ۱۶۰ فرعی از ۱۶۴- اصلی واقع در حصار بخش دو بجنورد که سند مالکیت ان به شماره چاپی ۶۴۷۳۰۹ ذیل شماره ۴۵۰۶۹ صفحه ۲۸۷ دفتر ۲۲۱ به نام آقای محمد حسن محمدی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۱۱۱۱ و شماره ملی ۰۶۸۱۲۶۶۶۲۷ مدیون و وثیقه گذار پرونده اجرائی کلاسه ۱۳۹۶۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۹۸۰ و شماره بایگانی ۹۶۰۰۱۰۷۹ صادر و تسلیم شده است و برابر سند رهنی شماره ۷۴۰۵-۱۳۸۴/۱۲/۲۷ دفتر خانه شماره ۲۱ بجنورد در رهن بانک پارسیان قرار گرفته است، محدود به حدود زیر:

شمالاً: بطول ۷ متر پی دیوار به پی دیوار پلاک ۲۸۴۶ مجزی شده

شرقاً: بطول ۲۵ متر پی دیوار به دیوار ۲۸۵۴ مجزی شده.

جنوباً: بطول ۷ متر پی دیواریست به ممر ۱۰ متری.

غرباً: بطول ۲۵ متر پی دیوار به پی دیوار ۲۸۵۶ مجزی شده .ملک حقوق ارتفاقی ندارد.

که توسط کارشناس مورد ارزیابی قرار گرفته و ششدانگ پلاک مذکور به مبلغ(۲/۹۷۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال) دو میلیارد و نهصد و هفتاد و چهار میلیون ریال برآورد شده و نظریه ارزیابی قطعی گردیده است ملک در روز شنبه مورخه ۱۳۹۷/۱۰/۲۹- از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر در محل اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد واقع در بجنورد خیابان شریعتی شمالی جنب اداره ثبت شرکتها به مزایده گذاشته می شود، خریداران می توانند در وقت مقرر در محل برگزاری مزایده حاضر شده و در جلسه شرکت نمایند. مزایده فقط در یک نوبت برگزار می گردد و از مبلغ (۲/۹۷۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال) دو میلیارد و نهصد و هفتاد و چهارمیلیون ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریدار فروخته می شود و مطابق ماده ۱۳۶ آئین نامه اجراء کل مبلغ نقداً دریافت می گردد. چنانچه زائد بر مبلغ مندرج در آگهی خریداری گردد حق مزایده نسبت به مازاد مبلغ ارزیابی بر عهده برنده مزایده است.

پرداخت بدهیهای مربوط به آب و برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره که رقم قطعی آنها معلوم نمی باشد تا تاریخ مزایده به عهده برنده مزایده است. مشخصات ملک مطابق نظریه کارشناس: ملک مذکور در حال حاضر دارای ۱۷۵ متر مربع عرصه، مطابق سند مالکیت با حدودات: شمالاً به طول ۷ متر. شرقاً بطول ۲۵ متر. جنوباً بطول ۷ متر و مشرف به ممرعام و غرباً به طول ۲۵ متر و دارای ۲۳۲ متر مربع زیر بنا در ۲ طبقه همکف و اول با مشخصات دیوار حمال و سقف طاق ضربی، نمای حیاط خلوت سیمان سفید با قدمت حدود ۱۳ سال ساخت که در طبقه همکف دارای ۱۱۶ متر مربع زیر بنا پارکینگ و یک واحد مسکونی با یک خواب، حال و پذیرائی، آشپزخانه این و سرویس بهداشتی و طبقه اول دارای ۱۱۶ متر مربع زیر بنا با کاربری مسکونی و دارای ۲ خواب، حال و پذیرائی سرویس بهداشتی و آشپزخانه این، کف ملات ماسه سیمان، درب و پنجره آهنی سیستم سرمایشی اسپلیت و گرمایشی بخاری گازی، کابینت چوبی، سقف گچبری، دیوار حال تا یک متر سرامیک و دارای امتیازات آب، برق، گاز و تلفن می باشد. و نشانی ملک جهت بازدید بجنورد خیابان امام خمینی غربی- شهرک شاهد- شاهد یک پلاک ۷۵ می باشد. تاریخ انتشار ۹۷/۹/۲۷ ۹۷۱۴۳۲۹

حمید عزیزی- رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

شماره پرونده: ۱۳۹۶۰۴۰۰۶۰۹۱۰۰۰۲۳۵/۲ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۰۰۶۳

شماره آگهی ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۳۸۰۶۲۲۰۰۰۰۰۱۱

تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

اخطاریه ماده ۱۰۱ – اموال غیرمنقول

جناب آقایان مهدی سرمدی فرزند ابراهیم به شماره ملی ۰۹۴۱۸۰۷۷۸۹ و علیرضا سرمدی فرزند ابراهیم به شماره ملی ۰۹۴۳۳۱۶۶۱۸ و احمد سرمدی فرزند ابراهیم به شناسه ملی ۰۹۴۱۸۲۱۹۱۹ در خصوص پرونده اجرائی کلاسه فوق، له بانک صادرات و علیه شما به موجب گزارش شماره س ۹۷/۵۱۲- ۱۳۹۷/۹/۸ کارشناس رسمی دادگستری، پلاک ثبتی فرعی: باقیمانده ۱۵ فرعی از اصلی ۱ در بخش: بخش ۶ مشهد ناحیه- واقع در: طرقبه شاندیز به مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده. لذا چنانچه به مبلغ ارزیابی پلاک مذکور معترض می‌باشید، اعتراض کتبی خود را ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ این اخطاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس به مبلغ ۶/۸۴۰/۰۰۰ ریال به دفتر این اجرا تسلیم نمایید. ضمناً به اعتراضی که خارج از موعد یا فاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد. آ- ۹۷۱۴۱۸۷

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی طرقبه شاندیز- سیدمحمود حسینی‌نژاد

شماره پرونده: ۱۳۹۶۰۴۰۰۶۰۹۱۰۰۰۲۳۶/۲ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۰۰۶۴

شماره آگهی ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۳۸۰۶۲۲۰۰۰۰۰۱۰ تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

اخطاریه ماده ۱۰۱ – اموال غیرمنقول

جناب آقایان مهدی سرمدی فرزند ابراهیم به شماره ملی ۰۹۴۱۸۰۷۷۸۹ و علیرضا سرمدی فرزند ابراهیم به شماره ملی ۰۹۴۳۳۱۶۶۱۸ و احمد سرمدی فرزند ابراهیم به شناسه ملی ۰۹۴۱۸۲۱۹۱۹ در خصوص پرونده اجرائی کلاسه فوق، له بانک صادرات و علیه شما به موجب گزارش شماره س ۹۷/۵۱۴- ۱۳۹۷/۹/۸ [illegible]

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]

پوچتینو: می‌خواهم نژادپرستی را از بین ببرم

ورزش: در میان بحث داغ این روزها پیرامون رحیم استرلینگ بازیکن سیاهپوست من سیتی سرمربی تاتنهام مدعی شد که قصد دارد کاری کند که اثری از نژادپرستی در فوتبال باقی نماند. مائوریسیو پوچتینو می گوید: «برایم مهم نیست که موضوع هواداران آرسنال هستند، هواداران آرژانتینی هستند، هواداران تاتنهام هستند، اسپانیول یا بارسلونا. من در هر شرایطی مخالف نژادپرستی هستم. از نگاه من، نژادپرستی بدترین چیز در دنیاست و برای همین است که مخالف آن هستم. نمی‌خواهم حرف‌های پوپولیستی بزنم، برایم مهم نیست که واکنش هواداران ما یا دیگر تیم‌ها چیست. من می‌خواهم این رفتار زشت را از بین ببرم. وظیفه ما این است که اینطور باشیم.»

پله: نیمار باید شیرجه زدن را کنار بگذارد

ورزش: اسطوره فوتبال برزیل معتقد است که نیمار برای تبدیل شدن به بهترین بازیکن جهان، باید بیشتر گل بزند و کمتر شبیه سازی کند. پله می گوید: «من همیشه گفته بودم که نیمار بازیکن بزرگی خواهد شد. ولی این چند سال چه اتفاقی افتاده؟ او به شکل دیگری ظاهر شده است، نه با گلزنی بلکه با ژست گرفتن، شیرجه زدن و شبیه سازی و اعتراض کردن به داورها. برای همین است که وجهه او آنقدر منفی شده است. بارها با هم راجع به این موضوع صحبت کرده ایم، با این وجود او یکی از بهترین بازیکنان جهان است.»

ضد حمله

کعبی کفش هایش را آویخت

ورزش: حسین کعبی، مدافع - هافبک تیم فوتبال سپیدرود رشت کفش‌هایش را آویخت و از دنیای فوتبال خداحافظی کرد. کعبی همچنین دستیار علی کریمی در کادر فنی سپیدرود شد. کعبی فوتبال خود را استقلال اهواز و فولادخوزستان آغاز کرد و مدافع تیم ملی فوتبال در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان بود. این بازیکن سابقه بازی در تیم‌های پرسپولیس، لسترسیتی، الوحده امارات، استیل آذین و ... را در کارنامه خود دارد.

دژاگه: امکانات ما در حد یک تیم مدعی نبوده است

ورزش: هافبک تیم ملی فوتبال کشورمان در واکنش به این پرسش که «آیا تیم ملی می تواند قهرمان جام ملت‌ها شود؟»، گفت: با توجه به بازی‌های خوبی که تیم ملی در جام جهانی انجام داد الان همه تیم‌های آسیایی تفکر دیگری در مورد تیم ملی دارند و ما را جزو تیم‌هایی می‌دانند که می‌تواند قهرمان شود. خودمان هم همین تفکر را داریم تا بعد از ۴۵ سال دل مردم را شاد کنیم. با تمام وجودمان در مسابقات شرکت خواهیم کرد و سعی می کنیم قهرمان شویم. دژاگه در ارتباط با نحوه آماده‌سازی تیم ملی و مشکلاتی که در این راه وجود داشته است، خاطرنشان کرد: چه بگوییم؟! واقعاً شرایطی که برای ما وجود داشت و امکاناتی که فراهم شد در حد یک تیم مدعی قهرمانی نبوده است.

شجاعی: با نتایج خوب جواب بی‌احترامی‌ها را می‌دهیم

ورزش: کاپیتان تیم ملی فوتبال کشورمان تأکید کرد، این تیم با کسب نتایج خوب در جام ملت‌های آسیا پاسخ بی‌احترامی‌ها را خواهد داد. مسعود شجاعی پیش از سفر تیم ملی فوتبال کشورمان به قطر ضمن بیان این مطلب گفت: هر کاری می‌توانستیم انجام دادیم و اکنون با شرایط سخت به مسابقات می‌رویم و از مسئولان هم ناامید هستیم. هم‌اکنون باید خود را از نظر روحی و روانی آماده کنیم که ان‌شاءالله بتوانیم این تورنمنت سخت را با موفقیت پشت سر بگذاریم. وی در پاسخ به این سؤال که چرا هیچ کدام از مسئولان فدراسیون برای بدرقه تیم ملی نیامده‌اند، عنوان کرد: خودتان شاهد هستید و واقعاً حرفی برای گفتن نمی‌ماند.

حضور طارمی در جمع ۱۰ گلزن برتر باشگاهی سال ۲۰۱۸ قطر

ورزش: مهدی طارمی، ملی‌پوش ایرانی تیم الغرافه در میان ۱۰ گلزن برتر باشگاهی سال ۲۰۱۸ فوتبال قطر قرار گرفت. روزنامه استاد الدوحه قطر در نسخه دیروز خود رده‌بندی ۱۰ گلزن برتر باشگاهی سال ۲۰۱۸ فوتبال این کشور در تمامی رقابت‌های داخلی و بین‌المللی را منتشر کرد که بغداد بونجاح، مهاجم الجزایری السد دوحه با به ثمر رساندن ۵۲ گل در جایگاه نخست ایستاد. مهدی طارمی از تیم الغرافه نیز با آمار ۱۷ گل زده رده هشتم این فهرست را به خود اختصاص داده است.

سرمربی قطر: بازی با ایران فرصت خوبی برای ماست

ورزش: فلیکس سانچس سرمربی تیم ملی فوتبال قطر گفت: ما در مرحله پایانی آماده‌سازی برای جام ملت‌های ۲۰۱۹ آسیا چهار بازی تدارکاتی پیش‌رو داریم که هر کدام از بازی‌ها برابر تیم‌های ملی اردن، قرقیزستان، الجزایر و ایران فرصت خوبی برای بازیکنان تیم ملی فوتبال قطر جهت تجهیز شدن تا زمان سفر به امارات است.

سرمربی تیم ملی فوتبال قطر ادامه داد: گزینه‌های زیادی برای برگزاری بازی‌های تدارکاتی در ماه جاری داشتیم اما تیم‌های ملی انتخاب‌شده جنبه‌های فنی متفاوتی دارند.

استقلال و پرسپولیس ۲ ماه تا قیمت‌گذاری

ایسنا: رئیس سازمان خصوصی‌سازی با اشاره به مصوبه هیئت وزیران درباره دو باشگاه استقلال و پرسپولیس گفت: تا دو ماه دیگر و نهایتاً تا پایان سال قیمت گذاری این دو باشگاه انجام می‌شود. علی اشرف عبدالله پوری حسینی درباره قیمت پایه دو باشگاه پرسپولیس و استقلال و زمان واگذاری آن اعلام کرد که قطعاً سازمان خصوصی‌سازی تلاش می کند به وظایف خود بدرستی عمل کند و اقدامات لازم را در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام دهد. وی گفت: تا دو ماه بعد قیمت گذاری این دو باشگاه انجام می‌شود و این قیمت را به هیئت واگذاری اطلاع می‌دهیم و تلاش می کنیم تا پایان سال جاری مزایده این دو باشگاه را انجام دهیم.

سروش رفیعی: چرا از پدیده به تیم ملی کسی دعوت نشد؟

ورزش: سروش رفیعی صحبت های جالبی درباره مسایل اخیر تیم ملی و دعوت برخی از بازیکنان مطرح کرده است. رفیعی معتقد است: «با تمام احترام برای مجموعه تیم‌ملی و تک تک بازیکنان تیم ملی من خیلی رک می گویم برخی از بازیکنان فعلی تیم‌ملی شاید خودشان هم فکر نمی کردند تا در تیم ملی باشند.» رفیعی می افزاید: «۳ تا ۴ تا از بازیکنان تیم پدیده الان عالی بازی می کنند و تیم‌شان عالی نتیجه می گیرد، مگر می‌شود به تیم ملی دعوت نشوند؟ یک بازیکنی که می‌آید یک فصل را تمام تلاش می کند و قبل از آن بدنسازی می کند برای او انگیزه‌ای است که به تیم‌ملی برود و گرنه پرسپولیس الان قهرمان ایران می‌شود درست است که برای هواداران و تیمش افتخاری است اما انگیزه بازیکن در لیگ برتر یا فوتبال «تیم‌ملی» است.»

دلفی؛ هدف مشترک استقلال و پرسپولیس

ورزش: یکی از بازیکنانی که این روزها مورد توجه دو تیم استقلال و پرسپولیس قرار دارد، یونس دلفی مهاجم استقلال خوزستان است که تا چند روز آینده وضعیتش مشخص خواهد شد و به یکی از دو تیم استقلال یا پرسپولیس خواهد پیوست. دلفی در ابتدای فصل هم از استقلال تهران پیشنهاد داشت اما بنا به دلایلی نتوانست پیراهن آبی پوشان را بر تن کند اما گفته می شود حضور او در استقلال تقریبا قطعی است و به احتمال زیاد این مهاجم در نیم فصل دوم با استقلال تهران به میدان خواهد آمد.

تبریزی نمی تواند از استقلال جدا شود

ورزش: در شرایطی که شایعه شده تبریزی به خاطر نیمکت نشینی در استقلال قصد جدایی از این تیم را دارد قانون به تبریزی اجازه می دهد در نیم فصل با یک تیم جدید قرارداد امضا کند اما او نمی تواند در نیم فصل دوم برای تیم جدیدش بازی کند. علت این موضوع این است که هر بازیکن در یک فصل می تواند با ۳ تیم قرارداد امضا کند اما تنها برای دو تیم باید بازی کند و تبریزی در نیم فصل اول هم برای استقلال و هم برای ذوب آهن …

کی روش و پسران بدون بدرقه مسئولان ورزش راهی قطر شدند
تیم ملی دلخور رفت!

حمید رضا خداشناس: عصر یکشنبه سرمربی تیم ملی اسامی ۲۱ بازیکن را در مرحله اول اعلام اسامی برای اردوی آماده‌سازی در قطر اعلام کرد. اردوی آماده‌سازی در قسمت اول از تاریخ ۲۷ آذر تا ۳ دی ماه در دوحه قطر برگزار می‌شود و پس از اتمام این مرحله، اسامی بازیکنان شاغل در خارج از کشور اعلام و در نهایت در تاریخ ۲۶ دسامبر (۵ دی ماه) لیست نهایی برای مسابقات جام ملت‌های آسیا اعلام خواهد شد. این در حالی است که طبق برنامه اعلام شده از پیش، …

برنامه بازی های دوستانه

طبق برنامه در این اردو تیم ملی فوتبال کشورمان در روزهای ۲۱، ۲۶ و ۳۱ دسامبر (۳۰ آذر، ۵ و ۱۰ دی‌ماه) سه بازی دوستانه برگزار خواهد کرد. تاکنون فقط دیدار با قطر در تاریخ ۱۰ دی‌ماه قطعی شده که این بازی در ورزشگاه بین‌المللی خلیفه برگزار می‌شود. اما از بین تیم های تایلند، فیلیپین، فلسطین، سوریه و لبنان به احتمال زیاد دو تیم دیگر حریفان تدارکاتی تیم ملی پیش از جام ملت‌های آسیا خواهند بود. …

لشکر مصدومان

…

این بیست و یک نفر

با همه این شرایط علیرضا بیرانوند، سید حسین حسینی، پیام نیازمند به عنوان دروازه بان، رامین رضاییان، وریا غفوری، پژمان منتظری، محمدحسین کنعانی زادگان، روزبه چشمی، محمدرضا خانزاده، احسان حاجصفی و میلاد محمدی به عنوان مدافع، امید ابراهیمی، احمد نوراللهی، علی کریمی، اشکان دژاگه و مسعود شجاعی به عنوان هافبک و مهدی ترابی، مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش، سردار آزمون به عنوان مهاجم ۲۱ بازیکنی بودند که دیروز به همراه کادر فنی و سایر اعضای تیم ملی، در حالی که خبری از مسئولان برای بدرقه آنان نبود و این موجب ناراحتی و اعتراض ملی پوشان شده بود، تهران را به مقصد دوحه ترک کردند تا مهم ترین اردوی خود پیش از جام ملت ها را برگزار کنند.

مصدومیت که سرمربی تیم ملی پیش از جام ملت ها با آن مواجه شده است باید تا پنج دی منتظر بود تا لیست نهایی تیم ملی اعلام شود و دید از بین لژیونرهای مصدوم تیم ملی کدام یک عصای دست کی روش در جام ملت ها می شوند.

برای شاد شدن مردم کسب کنیم، نداریم و احتیاجی به این مراسم نداریم. نکته‌ای که می‌توانم بگویم این است که مسئله‌ای که ما را انکشاف قوی ترمان می کند. وی در واکنش به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه به نظر می‌رسد بازیکنان تیم ملی از عدم حضور مسئولان و عدم برگزاری مراسم بدرقه ناراحت هستند، تصریح کرد: من عذرخواهی می کنم، اما به نظرم شما کلمات بازیکنان را به خوبی متوجه نشدید! بازیکنان در مورد مراسم حرف نمی‌زنند. آن‌ها در مورد احترام صحبت می‌کنند. تنها موضوعی که بازیکنان در موردش صحبت کردند، این است که این تیم، تیم ملی ایران است و در حال حاضر به جام ملت‌های آسیا اعزام می‌شود و تنها مطلب، احترام است که شاید درک این موضوع برای چند نفر سخت باشد. الان این وظیفه من است که به عنوان سرمربی این مطلب را عرض کنم. متأسفانه در چند ماه گذشته احترامی که باید به تیم ملی گذاشته می‌شد، گذاشته نشد و با کمال احترام باید بگویم مخصوصاً از سمت آقای وزیر. البته مهم نیست و ما به این مسئله عادت کردیم. مطلبی که اهمیت دارد، بسیار ساده است، ما آماده این هستیم که توقعات را بالا ببریم و بیشتر بجنگیم و بیشتر تلاش کنیم. یک بار دیگر تأکید می کنم ما برای مردم بازی می کنیم و برای قلب آن‌ها نه تعداد محدودی که در رسانه‌ها سروصدا می کنند.

قرعه‌کشی لیگ قهرمانان و لیگ اروپا برگزار شد
فرصت دوباره کلوپ برای انتقام از بایرن

امیرمحمد سلطانپور: بعد از چند روز انتظار، هواداران فوتبال اروپا با قرعه کشی مرحله یک شانزدهم نهایی لیگ قهرمانان تکلیف محبوب ترین مسابقات باشگاهی خود را فهمیدند. این قرعه کشی در شهر نیون سوئیس برگزار شد تا تیم های صعود کننده از مرحله گروهی این مسابقات در اولین مرحله از دور حذفی رقبای خود را شناخته و امیدوار باشند با طی تمام راه، در فینال در ورزشگاه متروپولیتانو شهر مادرید حضور داشته باشند.

تیم های منچسترسیتی، بایرن، پورتو، دورتموند، یوونتوس، پی‌اس‌جی، بارسلونا و رئال مادرید به عنوان تیم های اول گروه های خود در سید یک قرار داشتند و منچستریونایتد، تاتنهام، لیورپول، لیون، رم، شالکه، اتلتیکو و آژاکس به به …

که بعد از صدها میلیون یورو خرج از مالکین عربی هنوز به دنبال بزرگترین دستاورد فوتبال اروپا یعنی قهرمانی در لیگ قهرمانان است مقابل منچستریونایتد قرار می گیرد که این روزها با ژوزه مورینیو شرایط خوبی ندارد. شاید روی کاغذ شیاطین سرخ امید کمتری نسبت به پاریسی ها با ستاره های بزرگ آن ها یعنی …

مقابل دورتموند به پیروزی برسند. البته دورتموند نیز نسبت به گذشته بسیار پیشرفت کرده و بهتر شده است.

جذاب مثل بایرن و لیورپول

بازی لیورپول و بایرن مونیخ شاید بزرگترین بازی این مرحله …

دیگر آن هایی که بازی های آژاکس مقابل بایرن را در دور گروهی تماشا کرده اند می دانند که نباید به این راحتی ها نماینده هلند را دست کم بگیرند. رُم هم به بهترین قرعه ممکن میان صدرنشینان برخورد کرد تا به مصاف پورتو پرتغال برود.

شیاطین سرخ در زمین جلیقه زردها

دیدار منچستریونایتد و پی اس جی نیز می تواند جذابیت های خاص خود را داشته باشد جایی که این دو تیم برای اولین بار در تاریخ در یک بازی رسمی مقابل هم قرار می گیرند. پی اس جی …

نباشد اما استایل هجومی دو تیم نوید یک بازی هیجان انگیز را می دهد. تاتنهام که در آخرین دقایق جواز صعود از دور گروهی را کسب کرد می تواند امیدوار باشد مثل دور فصل گذشته که زنبورها را رفت و برگشت شکست دادند.

قرعه راحت برای بارسا، رئال و رم

دو غول اسپانیایی یعنی بارسا و رئال مادرید به قرعه های خوبی برخورد کردند و در مرحله بعدی به مصاف لیون و آژاکس می روند تا امیدهای آن ها برای یک فصل خوب دیگر اروپایی زنده بماند. البته فرم رئال نگران کننده است و از طرف …

ناپولی که با شرایطی مشابه با اینتر از پشت سر می گذارد به مصاف زوریخ سوئیس می رود، مالموی سوئد با چلسی دیدار می کند، سلتیک با والنسیا، لاتزیو با سویا و باته با آرسنال مسابقه خود را برگزار خواهند کرد تا در صورت پیروزی به جمع شانزده تیم برتر مسابقات راه یابند.

چرا سازمان لیگ به استقلال پول نمی‌دهد؟

ورزش: علی خطیر، معاون ورزشی باشگاه استقلال در تازه ترین مصاحبه خود گفته است سازمان لیگ برتر در سال های اخیر ۴۰۰-۳۰۰ میلیارد تومان از تبلیغات محیطی درآمد داشته است اما ریالی به باشگاه استقلال نداده است. در چرایی این موضوع و در تماس هایی که با سازمان لیگ برتر داشتیم متوجه شدیم که باشگاه استقلال بیش از ۶ میلیارد … باشگاه استقلال نزد سازمان لیگ برتر به خصوص از تبلیغات محیطی صرف پرداخت این بدهی خواهد شد. گویی در سال های گذشته هزینه بازی استقلال در استادیوم آزادی را سازمان لیگ برتر می پرداخته است که این اتفاق با نامه وزیر ورزش و جوانان رخ می داده. هر بازی استقلال در استادیوم آزادی نزدیک به ۱۰۰ میلیون تومان هزینه در بر داشته که سازمان لیگ برتر آن را تقبل می کرد.

البته و در حال حاضر تیم ها از بابت حق پخش پولی از سازمان لیگ برتر نمی گیرند و تبلیغات محیطی هم درآمد خیلی کلانی را عاید تیم ها نمی کند.

تبلیغات محیطی حداکثر تا ۸۰ میلیارد تومان پول به سازمان … تیم تقسیم می کند و البته درصدهایی از این پول به سازمان لیگ برتر، فدراسیون فوتبال، تیم های ملی و... می رسد. هر چند که در سال های اخیر دریافتی های سازمان لیگ برتر از اسپانسر کامل نبوده و کار در جاهایی هم به مراجع قضایی کشیده شده است.

ملی پوش بوکس ایران در المپیک برزیل
تشکیل تیم ملی «الف و ب» تصمیم آدم های بی سواد است

ورزش: تنها نماینده، گفت: یکسری آدم های بی سواد که از بوکس هیچ چیز نمی دانند و هیچ سواد فنی ندارند می آیند و برای ادای احترام این چنین تصمیماتی را می گیرند.

تیم «الف» و «ب» برای بوکس ایران است؟

من این موضوع را از امروز می شنوم، اما به هیچ عنوان این تصمیم صحیح و منطقی نیست. ما یک بار این تجربه تلخ را در بوکس ایران داشته ایم و در آن مقطع این تصمیمات قبل از المپیک برزیل گرفته شد و به همین دلیل بود که حتی …

چرا در مسابقات قهرمانی کشوری حضور نداشتید؟

…

حالت ما در هر وزن یک نفر بوکسور خوب داریم و نفر دوم نیز اگر داشته باشیم با اختلاف زیاد با نفر اول در تلاش است. من نمی دانم این چه کاری است که فدراسیون می خواهد انجام دهد.

خبر داری که حسین ثوری رئیس فدراسیون بوکس مدعی شده یکی از اهداف فدراسیون بوکس تشکیل …

گزارشی از اتفاقات پشت‌پرده در باشگاه سرخ پایتخت
باقری با حفظ سمت سرپرست می‌شود؟

ورزش: با روی کار آمدن ایرج عرب به عنوان سرپرست جدید باشگاه پرسپولیس برخی اتفاقات در باشگاه در حال رقم خوردن است و به نظر می‌رسد تغییراتی در سطوح مدیریتی این باشگاه و تیم پرسپولیس رخ خواهد داد. بعد از اختلافاتی که در اردوی … باشگاه پرسپولیس رفت تا به دیدار ایرج عرب سرپرست این باشگاه برود اما موفق به دیدار او نشد اما چیزی که مشخص است این است که برخی از مدیران میانی باشگاه پرسپولیس خواهان قطع همکاری با قنبرپور هستند و حتی تلاش‌هایی برای …

اوضاع پرسپولیس خوب نیست؟
اعتصاب و تهدید در تمرین سرخ ها

ورزش: …

گفت و گو

آرمین هادی پور: طلای مردانی بیشتر از مدال خودم چسبید

تسنیم: دارنده نشان برنز دومین دوره مسابقات تکواندو گرند اسلم گفت: واقعا از کسب مدال طلای سجاد مردانی در این مسابقات خوشحال شدم و مدال طلای او از مدال خودم بیشتر به من چسبید.

آرمین هادی پور گفت: مسابقات گرنداسلم واقعا سنگین است و سطح آن با سایر مسابقات متفاوت است. …

ابراهیم توره استقلالی نمی شود

ورزش: سفر امیرحسین فتحی به امارات و مذاکره او با مدیر برنامه های ابراهیم توره باعث شد تا شایعاتی درباره احتمال جذب این بازیکن که کارنامه موفقی داشته، مطرح شود. هر چند سرپرست باشگاه استقلال با گذشت زمان مذاکره با توره را تکذیب کرد اما انتشار چند تصویر در اینستاگرام باعث شد تا شایعات پیرامون این بازیکن افزایش پیدا کند و بسیاری این مهاجم را جانشینی برای گرو بدانند. با این وجود ساشا شفر فرزند سرمربی استقلال در صفحه شخصی خود در اینستاگرام جذب این بازیکن را تکذیب کرد و نوشت که او در لیست استقلالی ها حضور ندارد و باشگاه به دنبال جذب این بازیکن نیست.

ایکاردی در آستانه تمدید قرارداد

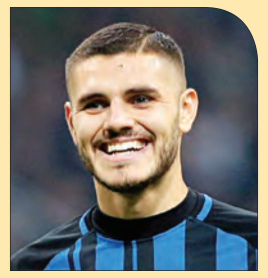

ورزش: ستاره آرژانتینی اینتر در آستانه تمدید قرارداد با این باشگاه قرار دارد. ایکاردی، کاپیتان اینتر و یکی از محبوب ترین های حال حاضر باشگاه در میان هواداران، با وجود داشتن پیشنهاد از رئال و چلسی، در جمع نراتزوری باقی خواهد ماند. همسر و ایجنت ایکاردی فاش ساخت که در حال مطالعه قرارداد پیشنهادی اینتر است؛ پیغامی که هرچند به مذاق سران اینتر خوش نیامد اما در هر صورت طبق ادعای گاتزتا دلو اسپورت، دو طرف در آستانه تمدید قرارداد قرار دارند. ایکاردی در روزهای آغازین سال ۲۰۱۹ قرارداد خود را تا ۲۰۲۳ تمدید خواهد کرد و دستمزد او نیز به سالانه هفت میلیون یورو افزایش می یابد.

بی پرده و شفاف با کاپیتان؛ سکوت صمد شکست
مشکل بسکتبال دوغ و ماست نیست!

ورزش: کاپیتان تیم ملی بسکتبال بعد از چند ماه سکوت خود را شکست و پیرامون حواشی اخیر و غیبتش در بازی های اخیر تیم ملی به صحبت پرداخت.

نزدیک به ۲۰ سال حضور در تیم ملی. اگر فقط به سختی هایی که ممکن است برای یک ورزشکار در این مسیر به وجود بیاید، فکر کنیم؛ متوجه می شویم که صمد نیکخواه بهرامی نه تنها چیزی برای بسکتبال ایران کم نگذاشته، بلکه او را می توان یکی …

بازی در آمریکا

برای ادامه بسکتبال خودم هم فکرم این بود که در آمریکا بازی کنم. به هر حال آنجا درآمدها و سطح بسکتبال متفاوت است. این شانس را داشتم که بروم و با چند تیم خوب آمریکا تمرین کنم. این شانس هم برای من وجود داشت که با تیم های حاضر در جی لیگ آمریکا قرارداد امضا کنم؛ اما فعلا که این اتفاق نیفتاده؛ اگرچه هنوز هم این شانس را دارم.

سؤال از شاهین

…

تناسبم زودتر بیایم

…

چه کسی ناراضی بود؟

…

دلیل غیبت

…

دلار ۵۰ هزار تومانی

…

زندگی بعد از بسکتبال

… زندگی ام را چه کار کنم؟ خیلی ها می گویند بیا و آخرش را خوب تمام کن. من نشان دهم هنوز هم می توانم بازی کنم؛ اما با این وضعیت بسکتبال، ورزش و اقتصاد در کشورمان مطمئنم به شکل سالم نمی توانم چیزی را سالم به دست آورم!

برای من که این همه سال در ورزش زحمت کشیدم، سنگین است که چنین اتفاقی برایم رخ دهد. اگر کسی باشد ضمانت بدهد که من زندگی ام را می توانم تامین کنم، من همه چیز را رها می کنم و به بسکتبال می چسبم.

همراه با جام ملت های آسیا (۳)

AFC ASIAN CUP UAE 2019

امارات؛ میزبان امیدوار

سینا حسینی: میزبان این دوره جام ملت های آسیا امیدوار است برای نخستین بار با استفاده از شرایط میزبانی و بهره گیری از تمام پتانسیل موجود در کشور نسبتا کوچک خود به افتخاری بزرگ دست پیدا کند تا در میان غول های بزرگ قاره آسیا سری میان سرها داشته باشد. اماراتی ها که …

قرار دارند و سایر تیم ها هر یک دو ملی پوش دارند، تیم فوتبال بن یاس امارات نیز با داشتن یک ملی پوش کمترین سهم را در تیم ملی امارات دارد.

مسن ترین و گلزنترین

…

برنامه بازی ها

…

مالکیت النصر و الجزیره

…

نتایج بازی های دوستانه

…

خبر

علیپور، برترین سنگنورد جهان در سال ۲۰۱۸

ورزش: سنگنورد ایرانی که رکورددار ماده سرعت هم محسوب می شود، به عنوان برترین ورزشکار این ماده در سال ۲۰۱۸ انتخاب شد.

براساس رنکینگ اعلام شده از سوی فدراسیون جهانی سنگ نوردی؛ رضا علیپور، قهرمان ایرانی که در سال های اخیر بارها به مدال طلای مسابقات جهانی و بین المللی در بخش سرعت دست پیدا کرده؛ با ۳۲۴.۶۸ امتیاز، بالاتر از «باسا» از فرانسه و «تیموفیف» از روسیه به عنوان برترین ورزشکار ماده «سرعت» جهان در سال ۲۰۱۸ انتخاب شد. این سنگنورد ایرانی که لقب سریعترین مرد عمودی جهان را به یدک می کشد، در سال ۲۰۱۸ هم به مدال های رنگارنگ مسابقات بین المللی مختلف دست یافت؛ اگرچه در چند رقابت هم ناکام بود.

با این حال همچنان علیپور رکورددار بخش سرعت جهان به حساب می آید. او در بازی های آسیایی ۲۰۱۸ نیز برای نخستین بار به مدال طلا دست پیدا کرد.

لیگ NBA؛ باخت لیکرز در شب کم فروغ پادشاه

ورزش: رقابت های لیگ بسکتبال NBA با شکست لیکرز و پیروزی دنور در جدال صدرنشینان شرق و غرب همراه بود.

لس آنجلس لیکرز که روز گذشته کارش را با پیروزی پشت سر گذاشته بود، در حالی که ستاره اش یعنی لبرون جیمز کم فروغ بود مقابل واشنگتن ویزاردز شکست ۱۲۸ بر ۱۱۰ را تجربه کرد.

لبرون جیمز که تریپل دبل کرده بود، در این بازی ۱۳ امتیاز، ۶ ریباند و ۳ پاس منجر به گل را داشت و کم فروغ بود، اما در سوی دیگر میدان جان وال ۴۰ امتیاز، ۱۴ پاس منجر به گل و ۶ ریباند داشت.

جدال صدرنشینان شرق و غرب با برتری دنور مقابل تورنتو همراه بود. در این بازی دنوری ها ۹۵ بر ۸۶ به پیروزی رسیدند.

جنجال قهرمان نیم فصل والیبال در آمل

ورزش: شهرداری ورامین در آخرین بازی نیم فصل به سختی توانست از سد کاله عبور کند تا با اقتدار به صدرنشینی اش ادامه دهد.

بهروز عطایی و تیمش قصد داشتند هر طور شده قهرمان نیم فصل لیگ برتر را در خانه زمین گیر کنند و تا ست پنجم هم خوب پیش رفتند. با اینکه در نهایت این مسابقه ۳ بر ۲ به سود شهرداری ورامین به اتمام رسید؛ اما جنجال های زیادی را در خود جای داده بود. بازهم برخی از تصمیمات داور باعث اعتراض ۲ تیم و سپس درگیری بازیکنان زیر تور شد. شاید اگر وساطت برخی از مربیان و اطرافیان ۲ تیم نبود؛ اتفاقات بدتری رخ می داد، اما به هر حال پیچ آخر نیم فصل هم برای شهرداری ورامین با موفقیت به اتمام رسید تا آنها با ۱۰ برد و تنها ۲ باخت به استقبال نیم فصل دوم لیگ برتر بروند.

از سوی دیگر آملی ها فعلا در رده نهم قرار گرفتند تا محکوم به تلاش بیشتر در نیم فصل دوم برای راهیابی به پلی آف باشند.

اتفاقات نادر باعث رفتن خادم شد
علیرضا کریمی: برای المپیک به ۹۷ کیلوگرم می روم

ایسنا: برنده مدال برنز وزن ۹۲ کیلوگرم کشتی آزاد جهان اعلام کرد که قصد دارد برای المپیک به وزن ۹۷ کیلوگرم برود.

علیرضا کریمی گفت: آقا غلام سال های گذشته در رده های مختلف از جمله بزرگسالان سرمربیگری کرده و از تجربه زیادی برخوردار است که می تواند به کشتی کمک کند. او بعد از مدت ها باز هم سرمربی تیم ملی شده و باید کار را شروع کنیم و امیدوارم رو به جلو حرکت کنیم.

وی گفت: همه کسانی که با رسول خادم کار کرده اند می دانند او از همه وجود خود برای کشتی مایه می گذاشت و هیچوقت خسته نمی شد. خادم ۷ سال برای کشتی زحمت کشید اما در نهایت اتفاقاتی افتاد که ترجیح داد دیگر نماند. در این مدت اتفاقات نادر و عجیبی رخ داد که باعث شد خادم دیگر به کار ادامه ندهد.

کریمی گفت: درست است یک کشتی گیر اصلا نباید کاری با قرعه داشته باشد. خود من نیز هیچوقت به قرعه توجهی نمی کنم اما واقعا ما به لحاظ قرعه با بدترین وضع ممکن روبرو شدیم. حسن یزدانی در همان دور اول به اصلی ترین رقیبش خورد یا پرویز هادی که باید به فینال می رسید اما در سخت ترین گروه ممکن قرار گرفت. رضا عطری، عزت اکبری و... نیز هر کدام بدشانسی آوردند و در ثانیه های پایانی شکست خوردند. در مجموع تیم بدشانسی آورد و گرنه نتایج جهانی مجارستان اصلا حق کشتی ایران نبود.

خوشبینی های سرمربی تیم ملی تفنگ ایران

فارس: سرمربی تیم ملی تفنگ ایران گفت: تیم ما آمادگی کامل دارد و ورزشکاران نسبت به المپیک ریو با تجربه تر و جوان تر هستند.

ابراهیم ینانلو گفت: گرفتن سهمیه المپیک به آمادگی مان ربط دارد. از هر نظر می گویم تیم ما خوب است، نفرات نسبت به المپیک قبل جوان تر و با تجربه تر هستند اما کسب سهمیه فقط به شرایط تمرینی ارتباط دارد. هر چقدر اردوهای داخلی مناسب باشد و ما بتوانیم در تورنمنت هایی که نزدیک به مسابقات کسب سهمیه برگزار می شود شرکت کنیم آمادگی مان هم بیشتر خواهد شد. چند تورنمنت قرار است در اروپا اوایل ژانویه برگزار شود، بعد از آن ورزشکاران راهی هند می شوند. ما این کار را در زمان لازلو تا حدود انجام می شد اما الان به خاطر گرانی ارز و مشکلات مالی کمتر شده است. بدون مسابقات و اردوها نمی توان به مسابقات کسب سهمیه رفت.

ورزش در سیما

سه‌شنبه ۲۷ آذر جام باشگاه های جهان
اسپرانس تونس - گوادالاخارا مکزیک
ساعت: ۱۷:۰۰ زنده از شبکه ورزش

سه‌شنبه ۲۷ آذر جام باشگاه های جهان
…

خبر

گلایه احمد پژمان از حضور برخی سیاسیون در جشنواره موسیقی فارس

میهمانان ناخوانده

تسنیم: احمد پژمان که یکی از آهنگسازان مطرح موسیقی ایران است و در دهمین جشنواره موسیقی فارس حضور داشت، با نوشتن یادداشتی به انتقاد از حضور ناخوانده مسئولان سیاسی در اختتامیه این جشنواره پرداخت. در ادامه، متن یادداشت احمد پژمان را می‌خوانید: جشنواره موسیقی فارس از نجیب‌ترین و شریف‌ترین جشنواره‌های استانی است که در سراسر کشور برگزار می‌شود؛ به همت جوانان همان منطقه و با پول و سرمایه بخش خصوصی که به عشق موسیقی و اعتلای فرهنگ پا به میدان گذاشته‌اند. تا جایی که من خبر دارم این جشنواره در دو سال گذشته نه از هیچ نهاد دولتی و حکومتی کمک گرفته و نه کسی از دولتی‌ها و حکومتی‌ها ابراز تمایلی به کمکی داشته ولو اندک.

بی‌شک برای من بسیار دلپذیر بود که چند روزی را در کنار هنرمندان جوان استان فارس و داوران ارجمند مدعو بودم و در معیت ایشان روز و روزگارمان خوش شد. مضاف بر آن که هیئت داوران امسال در نوع خود بی‌نظیر و متشکل از بهترین‌های موسیقی ایران بود. تنها چیزی که شیرینی جشنواره را در کام همه تلخ کرد همان بود که خصوصی به دوستان گفتم و اینک ناگزیر و موظف هستم به آشکارا گفتنش. از میان سیاسیونی که در شب اختتامیه سخنرانی کردند و برای جماعتی که خود همه موسیقی‌شناسانی حرفه‌ای بودند درباره مطالب پیش‌پا افتاده موسیقی توضیح واضحات دادند، چند نفر در برگزاری این جشنواره حضور مستقیم و مؤثر داشته‌اند؟ چند نفر نفوذ اداری‌شان را برای برگزاری بهتر این جشنواره به‌کار گرفته‌اند؟ چند نفر اصلاً می‌دانستند که چنین جشنواره‌ای در جریان بوده است؟ بدیهی است اگر بنا باشد کسی در چنین جمعی سخن براند، یا باید از سیاست‌گذاران فرهنگی باشد یا از هنرمندان. سخنرانی اشخاص غیر مرتبط با فرهنگ و موسیقی هرچه‌قدر هم که محترم باشند، در چنین مجلسی منطقی به‌نظر نمی‌رسد.

بیرون نشستن و تماشا کردن و بعد بی‌مقدمه و سرزده از راه رسیدن و مجلسی را که دیگرانی زحمتش را کشیده‌اند، از آن خود کردن زیبنده هیچ سیاستمدار اخلاق‌مندی نیست. به این عزیزان که ناگهان و به واسطه موفقیت و فراگیر شدن این رویداد هنری علاقه‌مند به موسیقی شدند و قدم‌رنجه کردند و سخنرانی‌هایشان اسباب چندین عکس یادگاری را فراهم کرد که لابد در انتصابات و انتخابات بعدی به‌کار خواهد آمد، عرض می‌کنم:

«خوش آمدید اما خاطرجمع‌اید که مجلس را درست آمده‌اید؟ اگر به چنین مجالسی علاقه‌مند هستید زهی افتخار، فقط در برگزاری‌شان هم کمی کمک بفرمایید تا شما را هم بشود صاحب‌مجلس تلقی کرد و نه میهمانان ناخوانده».

«زندانی دو دیکتاتور» تازه‌ترین رمان یوسف قوجوق

مهر: تازه‌ترین رمان یوسف قوجوق با عنوان «زندانی دو دیکتاتور» از سوی موزه عبرت ایران منتشر شد.

قاسم حسن‌پور مدیر موزه عبرت ایران ضمن اعلام خبر چاپ تازه‌ترین رُمان این موزه با عنوان «زندانی دو دیکتاتور» گفت: موضوع محوری این رُمان، زندگی و مبارزات شهید «حسن حسین‌زاده موحد» است. قاسم حسن‌پور این رُمان را گرته‌برداری مناسب و شایسته از زندگی و شخصیت این شهید دانست و گفت: «از آنجا که اغلب زندگینامه‌ها به لحاظ ماهیت و ویژگی این گونه ادبی، تنها به یک بُعد از زندگی شخصیت نظر دارند و به اصطلاح، روایتی تخت و خطی دارند، باوجود ارزشمندی، به لحاظ ادبیت اثر، قادر نیستند در ردیف ادبیات (به مفهوم خاص) قرار بگیرند و به همین خاطر، زندگی شهدا به خاطر داشتن بسیاری از نکات مهم مورد نیاز نویسندگان مجرب برای خلق اثری ادبی، می‌توانند مورد استفاده بهینه در نگارش رمان قرار بگیرند». مدیر موزه عبرت ایران درباره مناسبت نشر این کتاب با چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی گفت: از آنجا که شهید حسن حسین‌زاده یکی از مبارزان رژیم ستمشاهی بوده و در دوران جنگ تحمیلی نیز حضور چشمگیری داشته و از آزادگان بوده، موضوع این رُمان نیز طبیعتاً، علاوه بر ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، به ادبیات دفاع مقدس نیز مرتبط می‌شود. یوسف قوجوق که دبیری جشنواره قلم زرین و داوری برخی از جشنواره‌های ادبی را در کارنامه فعالیت‌های خود دارد، مؤلف بیش از ۳۰ عنوان رمان و مجموعه داستان است که برخی از آن‌ها در جشنواره‌های مختلف تقدیر شده‌اند.

گفت‌وگو با هادی حکیمیان، داستان‌نویس یزدی به بهانه «باغ خرمالو» تازه‌ترین رمانش

جلوی «تهرانیزه» شدن ادبیات ایران را بگیریم

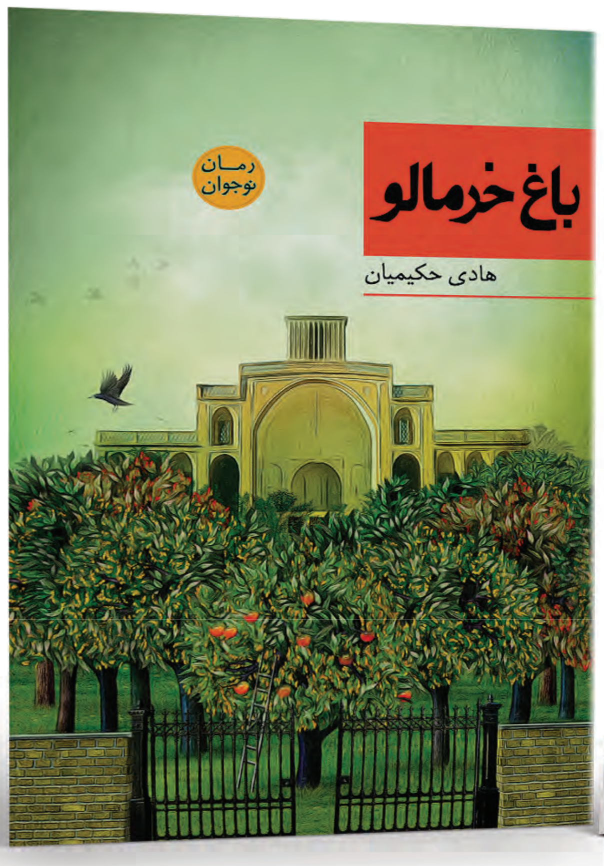

ادب و هنر/ جواد شیخ الاسلامی | رمان «باغ خرمالو» اثر هادی حکیمیان، نویسنده یزدی بتازگی به چاپ پنجم رسیده است. باغ خرمالو داستانی متفاوت درباره رضاخان است که وقایع آن طی تبعید ذلیلانه رضاخان به خارج رخ می‌دهد و توسط نشر شهرستان ادب منتشر شده است. با هادی حکیمیان درباره باغ خرمالو، داستان کودک و نوجوان و بایسته‌های آن صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

◆ بسیاری از شهرهای ما مثل یزد حضور کمرنگ و حاشیه‌ای در ادبیات داستانی دارند؛ اما در کتاب‌های شما، هم برج قحطی و هم باغ خرمالوی یزد و اتفاقاتی که در آن می‌افتد پررنگ است. درباره حضور یزد در آثارتان چه نظری دارید؟

من البته داستان‌هایی هم نوشته‌ام که جغرافیای آن شهرهای دیگر است یا فضای مکانی آن مشخص نیست. رمانی هم نوشته‌ام که همه‌اش در تهران می‌گذرد. من چندسال در تهران زندگی کرده‌ام و جاهایی را که باید می‌دیده‌ام، دیده‌ام. یک دلیل اینکه به یزد بیشتر پرداخته‌ام این است که به نظر من داستان نیاز به جغرافیا دارد و جغرافیایی که من خوب می‌شناسم، شهر خودم است؛ شهری که در آن بزرگ شده‌ام و زندگی کرده‌ام. جریانی در کشور ما تحت تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون و برخی دستگاه‌های فرهنگی به وجود آمده است که همه چیز را در تهران متمرکز می‌بینند. عمده بودجه فرهنگی هم در تهران خرج می‌شود. ادبیات هم، به این دلیل که رسانه در اختیار کسانی است که در تهران هستند، به همین سمت حرکت کرده است. البته بیشتر نویسندگان و هنرمندانی که در تهران حضور دارند هم بچه‌های شهرستان‌ها هستند، اما همین نویسندگان هم وقتی ساکن تهران شدند تحت تأثیر آن فضا قرار گرفتند. حتی بسیاری از نویسندگان در تهران حضور ندارند اما همه متأثر از ادبیاتی که در تهران ترویج می‌شود، شبیه به هم می‌نویسند. به عنوان مثال سبک نوشتن کسی که در زاهدان می‌نویسد با کسی که در تهران می‌نویسد، تفاوت زیادی ندارد. در خیلی از شهرهای ما هنوز آپارتمان نشینی وجود ندارد، ولی نویسندگان همان شهرها وقتی داستان می‌نویسند، متأثر از ادبیات تهران، با فرهنگ آپارتمانی می‌نویسند. این وضعیت خوشایندی نیست. حالا شهر یزد که یک شهر کوچکی است، متأسفانه حتی مشهد هم که در طول تاریخ ما همیشه جز دو سه شهر اول ایران بوده، مثل همین الآن، دچار همین وضعیت است. ما چقدر تصویر و رمان از مشهد و درباره مشهد داریم؟ خود من هنوز هیچ رمانی درباره مشهد نخوانده‌ام. حتی داستان کوتاه هم ندیده‌ام. اگر چیزی هم نوشته شده باشد بیشتر درباره زیارت و این‌هاست. اما درباره خود شهر مشهد که معرفیِ شهر مشهد باشد، نداریم. در حالی که مشهد رخدادها، حوادث، وقایع و شخصیت‌های زیادی دارد که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است؛ برای اینکه عمده بودجه در تهران است. من اما کاری را که از دست خودم برمی آمده، انجام داده‌ام. البته خیلی هم عمدی نبوده و اصراری نداشته‌ام که داستان هایم حتماً باید در یزد بگذرد. دلیل اصلی‌اش این است که من جغرافیا و آدم‌ها و کوچه‌های یزد را می‌شناسم. طبیعتاً من هم دوست دارم درباره تهران بنویسم، اما نه مثل قالبی که اکنون دارد نوشته می‌شود، بلکه با تصویری نوتر و جدیدتر.

◆ ایده «باغ خرمالو» از کجا شکل گرفت؟

رشته تحصیلی من تاریخ است. برای نوشتن پایان‌نامه‌ام به غیر از دیدن اسناد، بخشی که به کمکم آمد تاریخ شفاهی و مصاحبه با افرادی بود که حوادث و وقایع را دیده‌اند. صحنه اولِ باغ خرمالو که در آن پسربچه وقتی می‌بیند مأمور کشف حجاب می‌آید و بعد می‌رود به زنان می‌گوید فرار کنید، عیناً خاطره‌ای است که من از یک پیرمرد شنیده بودم؛ شاید ۱۰ سال پیش که مصاحبه کردیم، حدود ۸۰ سالش بود.

همچنین با کسانی که با رضاشاه در سال ۱۳۰۹ (در اوج قدرت) در سفر به مشهد و زاهدان و... همراه بودند و کسانی که رضاشاه را در زمان تبعید دیده بودند، صحبت کرده بودم. این خاطرات را به صورت پراکنده در ذهن داشتم و چون داستان درباره شخصیتی واقعی است، سعی کردم اصل داستان مستند باشد. حضور رضاشاه در یزد و تبعیدش چیزی نیست که تخیلی باشد یا مثلاً جایی که کنسول انگلیس به شاه می‌گوید باید شهر را ترک کنی، کاملاً واقعیت دارد. از طرفی چون مخاطبم نوجوان بود فکر کردم اگر از زبان و زاویه طنز استفاده کنم شاید جذابیت هایی برای نوجوان داشته باشد تا قشر نوجوان ما با تاریخ این کشور آشنا شوند.

◆ آن قسمت که چند نوجوان به همراه مادرشان در کنار رضاشاه هستند و قصد دارند برای او غذا درست کنند، تخیل شما بوده است؟

بله. طبیعتاً بخش زیادی هم تخیل است، ولی سعی کردم مستندات تاریخی آن را هم رعایت کنم. آن شخصیت‌های داستانی و مادرشان تخیل من است.

◆ شما در «برج قحطی» نشان دادید که در به کارگیری زبان سخته و فاخر مهارت دارید. در «باغ خرمالو» و آثار کودک و نوجوان هم نشان دادید که بخوبی می‌توانید با زبانی صمیمی و روان و طنز، قصه پردازی کنید. خودتان فکر می‌کنید این موفقیت حاصل چه تجربه و نگاهی است؟

طبیعتاً مخاطب داستان بزرگسال، بزرگسال است. اما کار نوجوان محدودیت‌های خاص خودش را دارد. همین‌طور که ما هر مطلبی را نمی‌توانیم برای نوجوان بازگو کنیم، زبان کتاب هم باید متناسب با زبان نوجوان و اطلاعات او باشد. از نظر تاریخی هم تا جایی که توانستم سعی کردم مطالب ساده و روان باشد تا مخاطب بتواند با آن ارتباط برقرار کند. از لحاظ گویشی هم تا جایی که می‌توانستم از لغات و اصطلاحات محلی کمتر استفاده کردم؛ اگرچه بعضی جاها باز هم از دستم در رفته است.

این همه داستان طی این سال‌ها برای مخاطب نوجوان نوشته‌ایم، اما شخصیت‌های کمی در ذهن مردم مانده است. مثلاً هوشنگ مرادی کرمانی با شخصیت نوجوان مجید در ذهن تمام ما ماندگار شده است. شاید نقطه قوت قصه‌های مجید هم زبانش باشد.

برش

سبک نوشتن کسی که در زاهدان می‌نویسد با کسی که در تهران می‌نویسد، تفاوت زیادی ندارد. در خیلی از شهرهای ما هنوز آپارتمان نشینی وجود ندارد، ولی نویسندگان همان شهرها وقتی داستان می‌نویسند، متأثر از ادبیات تهران، با فرهنگ آپارتمانی می‌نویسند. این وضعیت خوشایندی نیست

◆ با توجه به تجربه‌ای که دارید، فکر می‌کنید برای موفق شدن یک داستان نوجوان چه مؤلفه‌هایی در کنار زبان مهم است؟

بستگی به نظر و سلیقه خود نویسنده هم دارد. من فکر می‌کنم تصویرسازی مهم است. بچه‌ها از تصویر خیلی خوششان می‌آید و دوست دارند داستان تصویری باشد. در کنار این، اگر شخصیت‌های اصلی داستان، نوجوان باشد مخاطب می‌تواند با آن همذات‌پنداری کند. همچنین اگر زاویه دیدِ داستان، منِ راوی باشد بیشتر با نوجوانان ارتباط می‌گیرد.

◆ شاید به خاطر اینکه انگار یک نفر دارد برایشان قصه می‌گوید.

بله. همین که یک نفر دارد روایت می‌کند و مخاطب می‌تواند خودش را به جای راوی بگذارد و از دید او نگاه کند، احساس نزدیکی می‌کند؛ بخصوص برای نوجوان که در ابتدای کار مطالعه است و حتی برای بزرگسالانی که تازه شروع به کتابخوانی کرده‌اند، منِ راوی برای روایت داستان بهتر است. طنز هم در کار نوجوان می‌تواند مؤثر باشد. داستان باید فضای شادی داشته باشد. در باغ خرمالو سعی کرده‌ام این نکات را رعایت کنم.

◆ درباره باغ خرمالو تا به حال از نوجوانان بازخوردی دیده‌اید؟

هنوز در جمعی که مثلاً همه نوجوان باشند و ۵۰-۴۰ مخاطب نوجوان کار را خوانده باشند، حضور نداشته‌ام. جلساتی که برای این کتاب گرفته شده بیشتر بزرگسال بوده‌اند.

◆ فکر می‌کنم نیاز است که نویسنده‌ها بتوانند با مخاطبان اصلی خودشان ارتباط بگیرند و نظرشان را بپرسند و یا مورد نقد و مشورت قرار بگیرند، بویژه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان.

همین طور است. مراکزی هستند که می‌توانند این ارتباط‌ها را برقرار کنند. مهمترین آن‌ها آموزش و پرورش است که می‌تواند این جلسات را برگزار کند. همچنین کانون پرورش فکری در این زمینه می‌تواند یک ارتباط نزدیک بین مخاطب و نویسنده برقرار کند

حقیقتش من درباره شخصیت حسینعلیِ باغ خرمالو، که در چند تا از داستان‌های دیگرم تکرار شده، باید بگویم من ۱۸-۱۷ سال پیش در اولین کتابم داستان کوتاهی با عنوان «انار باغ کُردی» نوشته بودم که شخصیتش نوجوان بود. وقتی این داستان را می‌نوشتم اصلاً مدنظرم نبود که دارم برای نوجوان می‌نویسم. در یک جلسه داستانخوانی این داستان را خواندم. بعد از داستان‌خوانی یکی از دو سه نوجوانی که در جلسه حضور داشت و دبستانی هم بود، گفت: می‌شود این داستانتان را داشته باشم؟ گفتم: برای چه؟ گفت: من از این حسینعلی خوشم آمده!

آنجا بود که این جرقه در ذهنم خورد که می‌شود به این شخصیت بیشتر پرداخت و حتی در داستان‌های بلند و رمان هم آورد.

این ارتباط نداشتن هم برای خودش مشکلی است که ما کتاب نوجوان هم که می‌نویسیم همچنان باید از مخاطب بزرگسال نظرخواهی کنیم. البته درباره کتابی که در کانون پرورش فکری چاپ کرده‌ام این اتفاق افتاده است اما درباره باغ خرمالو هنوز نه.

◆ تا به حال این ایده به ذهنتان رسیده که داستانی دنباله دار مثل قصه‌های مجید بنویسید، منتها با دغدغه‌ها و شرایط امروز؟

لازم است که شخصیت‌های داستان‌های کودک و نوجوان بیایند و در فضای جدیدِ امروز و مسائل و مشکلات آن قرار بگیرند. البته کارهای مربوط به گروه کودک و نوجوان که من نوشتم؛ باغ خرمالو، خواب پلنگ، سرو بلند گوراب و گل انارها را باد می‌برد، همه این چهار کتاب شخصیت‌های نوجوانشان همین کوچکعلی و حسینعلی هستند. حتی اسم هایشان هم یکی است و فقط دوره‌های زمانی‌شان فرق می‌کند. مثلاً خواب پلنگ مال دوران قاجاریه است، باغ خرمالو برای دوره رضاخان است. در حال انجام یک کار برای نشر شهرستان ادب نیز هستم که درباره واقعه مسجد گوهرشاد است. آن هم با همین دو شخصیت حسینعلی و کوچکعلی است و نگاهی دارد به واقعه مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ که امیدوارم به زودی تمام بشود.

◆ در پایان اگر نکته‌ای درباره باغ خرمالو دارید، بفرمایید؟

در باغ خرمالو من سعی کردم به تاریخ نگاه بی‌طرفانه‌ای داشته باشم. یعنی اینکه رضاشاه خوب یا بد بوده، یا سرانجام یک پادشاه مستبد و دیکتاتور چه شده است، من به عنوان نویسنده داستان نخواستم داوری کنم. می‌خواستم به مخاطب نوجوان بسپارم تا درباره سرنوشت پادشاهی که تا دیروز همه از او می‌ترسیدند، داوری کند. تلاش کردم در تاریخ‌گویی به ورطه شعارگویی نیفتم. درباره اینکه چقدر موفق بوده‌ام باید به نظر مخاطب نوجوان رجوع کرد.

ادبیات

رونمایی از مجموعه شعر «۶۴۱۰روز تنهایی»

مهر: باشگاه کتاب فرهنگسرای انقلاب اسلامی، مجموعه شعر «۶۴۱۰ روز تنهایی» اثر پونه نیکوی را با حضور وی و کارشناسان ادبی همچون جواد محقق، محمد سعید میرزایی و میلاد عرفان پور رونمایی و نقد کرد.

در این نشست که دیروز دوشنبه برگزار شد، پونه نیکوی، سراینده حضور داشت و جواد محقق و محمد سعید میرزایی منتقدان و میلاد عرفان‌پور کارشناس مجری به نقد و بررسی این اثر پرداختند.

«۶۴۱۰ روز تنهایی» تازه‌ترین اثر نیکوی است که در ۶۹ صفحه و توسط انتشارات شهرستان ادب چاپ شده است.

مجموعه «۶۴۱۰ روز تنهایی» ۳۰ قطعه شعر در حوزه دفاع مقدس است. اشعار این کتاب، گاه از دید یک زن به عنوان همسر، مادر و یا خواهر شهید روایت می‌شود و گاه چشم انتظاری یک همسر و مادر شهید، مفقود الاثر و یا آلام یک همسر جانباز را به زبان شعر حکایت می‌کند.

موسیقی

«آواهای سرزمین مادری» گویا شد

مهر: نیکو یوسفی، پژوهشگر عرصه موسیقی، از انتشار مجموعه کتاب گویای «آواهای سرزمین مادری» با موضوع موسیقی اقوام ایران در قالب هفت جلد خبر داد. وی با اشاره به انتشار کتاب گویای «آواهای سرزمین مادری» توضیح داد: سال‌های زیادی است که در عرصه پژوهش‌های فرهنگی هنری فعالیت می‌کنم و یکی از مهم‌ترین دغدغه هایی که روی آن تمرکز دارم موضوع موسیقی اقوام ایران است که دوست داشتم به نمونه مدون و مکتوبی در این زمینه برسیم، از این رو کارهای پژوهشی خود را در این زمینه آغاز کردم که نتیجه آن انتشار چند اثر تألیفی صوتی در حوزه موسیقی نواحی ایران شد. به گفته یوسفی، فعلاً آثاری از موسیقی لری، ترکمن، خراسان، کردی، بختیاری و ترکمن در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است. وی افزود: با وجود تمام تلاش‌هایی که در عرصه موسیقی اقوام ایران انجام گرفته اما هنوز نمونه‌های مکتوبی که بتواند مورد استفاده مخاطبان قرار گیرد، وجود ندارد؛ بنابراین من به سهم خود تلاش کردم تا با نگاهی فارغ از دسته‌بندی‌های جغرافیایی به صورت جزء به جزء موسیقی‌ها را مورد بررسی قرار دهم.

آگهی حصر وراثت
آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست وضمائم به:
آگهی حصر وراثت
آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست وضمائم به:
آگهی حصر وراثت
رای شورا
آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست وضمائم به:
آگهی حصر وراثت
آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست وضمائم به:
آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست وضمائم به:
آگهی حصر وراثت
آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست وضمائم به:
آگهی فقدان سند مالکیت

نگاهی به دوازدهمین دوره مهمترین جشنواره سینمای مستند ایران

«سینما حقیقت» با موج «عمار» انقلابی شده است

سیما و سینما/ صبا کریمی | دوازدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت در حالی به کار خود پایان داد که با حضور جمع کثیری از مستندسازان جوان و پیشکسوت با آثاری متنوع در کنار استقبال قابل توجه مخاطبان این دوره را به یکی از دوره‌های پربار جشنواره تبدیل کرد. بر همین اساس ۷۰ فیلم مستند بلند، ۱۶۹ فیلم مستند نیمه‌بلند و ۳۹۵ فیلم مستند کوتاه متقاضی حضور در این جشنواره بودند و کارگردانان ۲۵۲ فیلم مستند، همزمان متقاضی شرکت در بخش «جایزه شهید آوینی» ویژه مستندهای حوزه مقاومت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هم شدند و پرونده این جشنواره با نمایش ۴۱ فیلم مستند و برگزاری چندین کارگاه آموزشی در ۶ سالن پردیس سینمایی چارسو کار خود را در دوازدهمین دوره بسته شد. به بهانه برپایی این جشنواره با حسین سلطان محمدی از منتقدان سینما پیرامون چگونگی برگزاری این دوره از جشنواره و ویژگی‌های آن به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

سینما حقیقت پایگاه اصلی سینمای مستند

سلطان محمدی در ابتدای سخنان به ارزیابی این دوره از جشنواره سینما حقیقت پرداخت و گفت: نفس برپایی این جشنواره به عنوان اصلی‌ترین پایگاه فیلم مستند در ایران اتفاقی درست و ضروری است. ضمن اینکه ضرورت وجود آن به عنوان نقطه اصلی تمرکز به آثار مستند کاملاً حس می‌شود. البته جشنواره‌های دیگری همچون فجر، مقاومت، رشد، جوان و... هرکدام جدا از نگاه اصلی و سیاست‌های برگزاریشان، نیم نگاهی هم به مستند دارند، اما ضرورت دارد سینما حقیقت به عنوان پایگاه و جایگاه اصلی مستند برقرار باشد و ادامه پیدا کند.

وی در ادامه افزود: این جشنواره سال به سال با شیوه‌های اجرایی متفاوتی برگزار می‌شود و به نظرم یکی از موارد مهمی که باید مورد توجه مسئولان و متولیان برپایی جشنواره قرار گیرد بررسی و آسیب شناسی نواقص و مواردی است که در جشنواره هر دوره وجود داشته است. به نظرم باید به دنبال راه حلی برای کنترل و مدیریت ازدحام جمعیت، شیوه تبلیغات و اطلاع رسانی در مورد این حجم از فیلم که برخلاف فیلم‌های داستانی که شیوه‌های تبلیغاتی متفاوتی دارند، باشیم. امسال شبکه‌های اجتماعی به کمک مستندها آمد و هر فیلمسازی توانست به واسطه شبکه‌های اجتماعی موجی را برای فیلمش ایجاد کند و در نتیجه استقبال بهتری را هم شاهد بود، در مقابل کسانی هم بودند که نتوانستند در این حد از تبلیغات به نفع فیلمشان استفاده کنند.

سلطان محمدی تصریح کرد: این مسئله سبب به وجود آمدن تمرکزی در معرفی آثار شده و متعاقباً موجبات استقبال بیشتری از فیلم‌ها را فراهم کرده است؛ اما در کنارش این سؤال را هم به وجود می‌آورد که آیا شبکه‌های اجتماعی پاسخگوی خوب و عادلانه‌ای برای تبلیغات و اطلاع رسانی بوده است یا خیر؟ به نظرم مسئولان برگزاری جشنواره باید به این موارد پاسخ دهند. در یکی از نشریات مطلبی خواندم با این محوریت که نسبت به برخی از آثار اکران شده در جشنواره انتقاد شده بود مبنی بر اینکه برخی از این آثار کیفیت قابل قبولی نداشتند، اما به دلیل موج اطلاع رسانی و فضاسازی رسانه‌ای که برای فیلم‌ها ترتیب داده بودند باعث شده بود که ازدحام عجیبی برای دیدن آن فیلم‌ها ایجاد شود. به نوعی می‌توان این مسئله را قدرت مدیریت تبلیغات قلمداد کرد اما متولیان برپایی جشنواره هم برای اطلاع رسانی بهتر باید تلاش بیشتری کنند. اگرچه حد و مرز تبلیغات جشنواره مشخص است و تنها شامل کاتالوگ، سایت و آیتم‌های خبررسانی روابط عمومی می‌شود و لزوماً نمی‌تواند به فضای آزادی که شبکه‌های اجتماعی دارند ورود پیدا کند، اما باقی فیلمسازان هم می‌توانند راهی برای خودشان پیدا کنند که این عدالت در تبلیغاتی که به نظر برخی دوستان دچار نوعی تبعیض و تفاوت شده را جبران کنند.

استقبال مردم از فیلم‌ها ویژگی دوره دوازدهم

این منتقد سینما در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به وجه تمایز این دوره با دوره‌های پیشین اظهار کرد: به نظرم ازدحام و استقبال مردم از فیلم‌ها ویژگی عجیب جشنواره سینما حقیقت امسال بوده است.

این اتفاق بسیار خوبی است که ما توانستیم تا این حد مخاطب را به تماشای آثار داخلی سوق دهیم، اما باید ساماندهی این جمعیت را هم در نظر داشته باشیم.

نکته دیگری که فکر می‌کنم مسئولان برپایی جشنواره سینما حقیقت می‌توانند آن را در نظر بگیرند این است که اگر ما با حجم بالایی آثار متقاضی برای نمایش روبه رو باشیم، می‌توان همچون بسیاری جشنواره‌های معتبر در دیگر کشورها بخش جنبی و بازار فیلم ایجاد کرد که مخاطب این امکان را داشته باشد که هر فیلمی را می‌خواهد تماشا کند. البته این کار برای سینما حقیقت شاید قدری سخت باشد،چون این جشنواره توسط ساختار دولتی برگزار می‌شود و اگر همه فیلم‌ها برای ورود به بازار فیلم آزاد باشند احتمالاً به این پرسش و انتقاد خواهیم رسید که برخی از فیلم‌ها برای حضور در جشنواره مناسب نبودند و چرا جلوی آن‌ها گرفته نشده است.

وی در تکمیل گفته‌های خود یادآور شد: بنابراین این مسئله قدری کار جشنواره را سخت می‌کند، اما از سویی دیگر ازدحام فیلم‌ها و به نمایش درنیامدن آن‌ها هم ممکن است اعتراض سازندگان را در پی داشته باشد؛ چنان که امسال هم مواردی از این دست کم نبودند.

همیشه از این موارد وجود داشته، اما به طور کلی همین که مستندسازان احساس می‌کنند این جشنواره محملی است که می‌توانند به واسطه آن و به عنوان نقطه مرکزیت دیده شوند اتفاق بسیار خوبی است و برای ماندگاری آن هم باید کوشید. اما همانطور که پیشتر هم اشاره کردم در مقابل باید شرایط اکران را هم برای مخاطبان فراهم کنیم که با توجه به ازدحام جمعیتی که در روزهای جشنواره شاهد آن بودیم به نظر می‌رسد باید تدابیری برای سالن‌های بیشتر اندیشیده شود.

افزایش ۹۰ درصدی کارهای مقاومت

وی در پاسخ به این پرسش که با توجه به این که امسال شاهد افزایش ۹۰ درصدی حضور متقاضیان در بخش‌های انقلاب و شهید آوینی نسبت به سال گذشته بودیم، علت این حجم از تقاضا از کجا نشأت می‌گیرد، گفت: اینکه شاهد افزایش متقاضی فیلم در بخش‌هایی مانند جایزه شهید آوینی و سینمای انقلاب هستیم به دلیل موجی است که جشنواره عمار در جوانان جامعه و فیلمسازان ایجاد کرده است. به این معنا که تولید آثاری با این محوریت شتاب گرفته است و به همین دلیل زمانی که این بخش‌ها در جشنواره مطرح می‌شوند پیرو آن موجی ایجاد می‌شود و تعداد آثار متقاضی حضور در این بخش نیز بیشتر می‌شود و این اتفاق بسیار خوبی است. برخلاف برخی جشنواره‌ها که وزارت ارشاد باید ورود پیدا کرده و سرمایه گذاری و سهمیه بندی‌هایی را در ارائه پروانه ساخت لحاظ کند و به نوعی یک اجبار ایجاد کند که حتماً باید تعداد مشخصی فیلم کودک، اجتماعی، دفاع مقدس و انقلابی و... باشد؛ در این جشنواره این گونه نیست و اگر به این موارد توجه می‌شود اتفاق بسیار خوبی است و سبب ایجاد تنوع در موضوعات هم می‌شود، از سویی دیگر موجب می‌شود روی این گونه موضوعات سرمایه گذاری صورت بگیرد. به بیانی دیگر مستندسازانی که به این گونه موضوعات علاقه‌مندند این سمت را تقویت می‌کند و سایر دوستان فیلمساز هم حوزه‌های دیگر را که عمدتاً اجتماعی است در دست دارند.

برش

امسال شاهد افزایش متقاضی فیلم در بخش‌هایی مانند جایزه شهید آوینی و سینمای انقلاب هستیم و این به دلیل موجی است که جشنواره عمار در جوانان جامعه و فیلمسازان ایجاد کرده است. به این معنا که تولید آثاری با این محوریت شتاب گرفته است

سلطان محمدی در ادامه افزود: اما این مسئله وجود دارد که هر تعداد فیلمی که به دبیرخانه جشنواره ارسال شود در نهایت باید هیئت انتخاب دست به گزینش بزنند و بحث سلیقه هیئت انتخاب را هم نمی‌توان در نظر نگرفت. اتفاقاً در همین راستا باید به این نکته اشاره کنم که یکی از تجربیات بسیار خوبی که جشنواره سینما حقیقت امسال داشت این بود که تا زمان اعلام نتایج نامزدها را معرفی نکرد. حال این تجربه را کنار سایر جشنواره‌ها بگذاریم.

جشنواره‌های بسیاری هستند که هیئت انتخابشان را اعلام نمی‌کنند و ما هم باید این مسئله را از جشنواره هایمان حذف کنیم چون اعلام این اسامی راه را برای انتقادات مثبت و منفی باز می‌کند. همانطور که چند روزی است که اسامی هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر اعلام شده است و موج انتقادها هم متعاقب آن راه می‌افتد و هرکسی یک نگاه و نظری به این تیم انتخاب دارد. در حالی که بسیاری از جشنواره‌ها اصلاً هیئت انتخابشان را اعلام نمی‌کنند.

امکان پخش اینترنتی این فیلم‌ها را فراهم کنیم

وی در خصوص توزیع و اکران فیلم‌های سینمای مستند پس از پایان جشنواره گفت: در هیچ جای جهان برای نمایش مستند روشی غیر از این نداریم که فیلم‌ها یا در شبکه‌های تلویزیونی امکان پخش داشته باشند یا در سینما و سالن‌هایی که متعلق به آن هاست اکران شوند؛ بنابراین پخش تلویزیونی یا نمایش فیلم‌ها در سالن‌های سینما تک و هنر تجربه امکانات موجود است. البته به نظرم اتفاق تازه‌ای هم می‌توان رقم زد و آن هم این است که امکان پخش اینترنتی این فیلم‌ها را فراهم کنیم و از امکاناتی مانند پخش فیلم در فیلمیو استفاده کنیم و در ازای پرداخت مبلغی پول امکان تماشای مستندها روی شبکه‌های اینترنتی هم برای مخاطبان فراهم شود.

به نظرم وقتی این شبکه‌های توزیع برای فیلم بلند ایجاد شده باید برای فیلم‌های مستند هم چنین امکانی را فراهم کرد در غیر این صورت نمی‌توان متوقع بود که شبکه مستند و افق بتوانند این فیلم‌ها را پخش کنند. ضمن این که می‌توان از امکانات شبکه‌های مختلف مانند نمایش تماشا بازار، سلامت، آموزش و... بنا به نوع ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایشان در باکس‌های مختلفی برای نمایش این آثار نیز بهره برد، بنابراین ظرفیت‌ها وجود دارد و باید از آن‌ها استفاده کرد.

مثالی درباره جشنواره فیلم رشد می‌زنم. این جشنواره آثارش را از زمان برپایی جشنواره تا دوره بعدی از طریق ساختار آموزش و پرورش در استان‌ها نمایش می‌دهد و بسیاری از این آثار را در مدارس پخش می‌کند. سینمای مستند هم می‌تواند بنا به ظرفیت‌های موجود مانند فیلمیو و... امکان پخش فیلم روی اینترنت با هزینه اندک را برای مخاطبان ایجاد کند و همین مسئله دسترسی را عام‌تر می‌کند و همه می‌توانند فیلم را ببینند و کسی هم نمی‌تواند بگوید که بی‌عدالتی شده است.

اشتیاق برای تماشای آثار مهم‌ترین ویژگی جشنواره

وی در جمع‌بندی گفته‌های خود به نقاط مثبت جشنواره امسال سینما حقیقت اشاره کرد و گفت: اشتیاق برای تماشای آثار مهم‌ترین ویژگی جشنواره بود. نکته مهم این است که با توجه به اشتیاقی که ایجاد شده سبب شده که دیگر چهره‌ها خیلی به چشم نیایند.

این در حالی است که بزرگان سینمای مستند در این محفل حضور داشتند، اما همه در این جشنواره دیده شدند و این موج مثبت و متفاوتی است. اگر این جمعیت این قدر مشتاق است و در صف‌های طویل می‌ایستد تا فیلم‌ها را تماشا کند اتفاق بسیار خوبی است و نتیجه این است که ما توانستیم آن‌ها را به آثار تولید داخل خودمان متمرکز کنیم؛ نگاه‌های متفاوت به سوژه‌های مختلف داشته باشیم و روش‌های مختلف فیلمسازی را تجربه کردیم و در نهایت این امکان را داریم که به قضاوت بنشینیم و آثار قابل قبولی را تماشا کنیم.

حاشیه

برگزیدگان دوازدهمین جشنواره حقیقت

نشان فیروزه برای «خانه‌ای برای تو»

سیما و سینما: آیین اختتامیه دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» در حالی برگزار شد که مستند «خانه‌ای برای تو» توانست نشان فیروزه بهترین فیلم این دوره را از آن خود کند.

جوایز بخش بین‌الملل

جایزه بهترین فیلم بلند بخش بین‌الملل به مستند «اکسدوس» به کارگردانی بهمن کیارستمی اهدا شد.

بهترین مستند نیمه بلند به مستند «فریاد رو به باد» به کارگردانی مشترک سیاوش جمالی و عطا مهراد اهدا شد.

تندیس بهترین کارگردانی مستند کوتاه بخش بین‌الملل به فیلم «ماهیاک» به کارگردانی فرح زارع از ایران رسید.

جایزه ویژه هیئت داوران بخش بین‌الملل در بخش مستندهای کوتاه و نیمه بلند به «لولو بوکسور مروارید» ساخته آسیموه جان بیباگامبا از کشور تانزانیا اهدا شد.

جایزه ویژه هیئت داوران بخش مستندهای بلند به فیلم «آلیشیا» ساخته ماسیا اومس از کشور هلند رسید.

مستند «جنگ نه ماهه» به کارگردانی لاشلو شویا از کشور مجارستان و قطر لوح تقدیر بهترین مستند بلند را از آن خود کرد.

جوایز مسابقه ملی

نشان فیروزه دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» برای بهترین مستند این دوره از جشنواره به مهدی شامحمدی برای مستند «خانه‌ای برای تو» اهدا شد.

جایزه ویژه هیئت داوران این بخش به زینب تبریزی برای کارگردانی «تمام چیزهایی که جایشان خالی است» اهدا شد.

جایزه ویژه دبیر جشنواره به مهدی نورمحمدی برای «آواز جغد کوچک» رسید.

تندیس بهترین کارگردانی مستند بلند به مهدی بخشی مقدم برای کارگردانی مستند «خانه‌ای برای تو» رسید.

تندیس بهترین مستند کوتاه به ارد عطارپور برای مستند «پرسپولیس شیکاگو» اهدا شد.

تندیس بهترین پژوهش هم به آرمین ایثاریان برای مستند «اسرار دریاچه» اهدا شد.

ماریا ماوتی کارگردان مستند «زمان» هم در این بخش توانست جایزه بهترین کارگردانی مستند نیمه بلند را از آن خود کند.

لوح تقدیر بهترین کارگردانی مستند بلند به هادی و مهدی زارعی برای کارگردانی مشترک مستند «خاتمه» اهدا شد.

لوح تقدیر بهترین کارگردانی فیلم کوتاه هم به آزاده بیزار گیتی برای مستند «اهل آب» اهدا شد.

لوح تقدیر بهترین پژوهش به جواد وطنی برای «ورس» اهدا شد.

جایزه بهترین تدوین به بابک حیدری برای فیلم «خاتمه» تعلق گرفت.

جایزه بهترین تصویربرداری به پویان آقابابایی برای فیلم «اسرار دریاچه» اهدا شد.

جایزه بهترین صدا به صورت مشترک به صادق رضانیا و مهرداد نورمحمدی برای صداگذاری و صدابرداری مستند «آواز جغد کوچک» اهدا شد.

جایزه بهترین موسیقی مستند به افشین عزیزی برای مستند «خانه‌ای برای تو» اهدا شد.

جایزه بهترین گفتار متن هم به مینا مشهدی مهدی و هادی اسفندیاری برای «آنجا که باد می‌وزد» تعلق گرفت.

جوایز بخش شهید آوینی

جایزه ویژه هیئت داوران بخش شهید آوینی، به پاس حماسه تعهد و تخصص، به دکتر وحید حمیدی شخصیت اصلی مستند «مردان زندگی» ساخته یحیی رضایی اهدا شد.

جایزه اصلی بخش شهید آوینی یعنی تندیس طلایی این بخش اما به وحید چاووش کارگردان مستند «خاطرات خبرنگار جنگ» اهدا شد.

تندیس نقره‌ای بخش شهید آوینی را هم محمدرضا وطن دوست کارگردان «لسک» از آن خود کرد.

تندیس برنزی و دیپلم افتخار این بخش به ماهان خمامی‌پور برای کارگردانی مستند «شبیه سازی آقای زرد» رسید.

دیپلم افتخار به محسن زارعی کارگردان «بلوچستان» اهدا شد.

اهدای جایزه بخش «هنر و تجربه»

جایزه بخش «هنر و تجربه» به «بهارستان خانه ملت» به کارگردانی بابک بهداد اهدا شد.

دومین جایزه بخش «هنروتجربه» هم به مستند «اسرار دریاچه» به کارگردانی آرمین ایثاریان اهدا شد.

«دلبند»؛ فیلم برگزیده شبکه مستند

سلیم غفوری مدیر شبکه مستند جایزه ویژه شبکه مستند را به مستند «دلبند» ساخته یاسر طالبی اهدا کرد.

جوایز بخش معدن و صنایع معدنی

جایزه اول به عزت‌الله پروازه کارگردان «گالین» اهدا شد.

جایزه دوم این بخش به محمد اسکندرزاده کارگردان مستند «شور شیرین» اهدا شد.

جایزه سوم این بخش مشترکا به فتح‌الله امیری کارگردان «روی سبز بیابان» و محمد عبداللهی کارگردان مستند «سنگ و نان» اهدا شد.

همچنین فتح الله امیری کارگردان فیلم «در قلمرو افعی دم عنکبوتی» که جایزه تماشاگران را از آن خود کرد.

خبر

۳ فیلم برگزیده مردمی جشنواره مقاومت معرفی شد

مهر: فیلم‌های «تنگه ابوقریب»، «به‌وقت شام» و «سرو زیر آب» به‌عنوان ۳ اثر برگزیده مردمی بخش سینمای ایران پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت معرفی شدند.

نظرسنجی مردمی بهترین فیلم سینمای ایران در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت با مشارکت بیش از ۲۳ هزار مخاطب در فضای مجازی برگزار شد. از میان ۱۲ اثر اکران‌شده بخش سینمای ایران جشنواره در نهایت فیلم‌های «تنگه ابوقریب»، «به‌وقت شام» و «سرو زیر آب» توانستند با اختلاف بسیار نسبت به سایر آثار، بیشترین آرای مردمی را به خود اختصاص دهند. در پایان این نظرسنجی که از سوی رسانه آوای ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برگزار شد، به‌قید قرعه جوایز نفیسی از سوی دبیرخانه جشنواره فیلم مقاومت و شرکت اسنپ فود به ۲۰ شرکت‌کننده نظرسنجی اهدا شد.

شورجه: یک بازیگر ناشناخته تئاتر نقش حضرت موسی(ع) را بازی می‌کند

بانی‌فیلم: جمال شورجه بعد از اعلام شروع پیش‌تولید سریال تلویزیونی «موسی(ع)» توسط رئیس سازمان صداوسیما درباره انتخاب بازیگران، گفت: بعد از مشخص شدن پیش‌تولید خیلی جدی پیگیر چیدمان نقش‌ها و کاراکترها هستم. به‌احتمال زیاد نقش اصلی سریال را به یک بازیگر ناشناخته تئاتری، آشنا به معارف قرآنی واگذار خواهم کرد، اما هنوز بازیگرها مشخص نشده‌اند.

وی با اشاره به جلوه‌های ویژه این سریال، گفت: به‌دلیل معجزات حضرت موسی(ع) که ۹ معجزه مهم داشتند امیدواریم بتوانیم از نیروهای ایرانی آشنا به جلوه‌های ویژه استفاده کنیم. قطعاً سوپروایزری برای این کار خواهیم داشت و چندین دفتر درگیر خواهند شد.

شورجه درباره لوکیشن‌های خارجی این سریال، تصریح کرد: با توجه به اینکه رویکرد سازمان صداوسیما این است که سریال «موسی(ع)» به‌صورت بین‌المللی و فرامرزی آماده شود رایزنی‌هایی کرده‌ایم با بازیگران جهان عرب از وجودشان استفاده کنیم تا مخاطبان این پروژه جهانی باشند.

فعلاً پیش‌بینی خاصی برای لوکیشن‌های خارجی نداریم از جمله الجزایر پیشنهاد ماست، چرا که خودم در آنجا کار کرده‌ام به محیط آشنایی دارم، حتی پیشنهاد سرمایه‌گذاری هم داده‌اند.

وی در خاتمه راجع به حضور در الجزایر گفت: در الجزایر به‌خاطر کارگردانی پروژه‌ای به‌نام «احمد بای» هرکجا می‌رفتم متوجه می‌شدند دستی در ساخت حضرت یوسف داشتم و قرار است پروژه‌ای به‌نام موسی(ع) توسط بنده ساخته شود، مردم لطف داشتند و مشتاق بودند به‌نوعی در این کار سهیم و شریک باشند و از طرق مختلف این علاقه‌مندی و شوق خودشان را نشان می‌دادند. واقعاً به‌برکت نور قرآنی بود که این پروژه‌های اصحاب کهف و یوسف پیامبر تأثیر گذاشته بود.

سرشار: «قصه‌گویی شبانه» در زمستان به کنداکتور شبکه کودک اضافه می‌شود

تسنیم: رئیس شبکه کودک از آغاز برنامه «قصه‌گویی شبانه» با اجرای مریم وطن‌پور که از زمستان روی آنتن می‌رود، خبر داد.

محمد سرشار رئیس شبکه کودک درباره اتفاقات جدید شبکه با خبرنگار خبرگزاری تسنیم صحبت کرد و البته در این میان به آغاز برنامه «قصه‌گویی شبانه» با اجرای مریم وطن‌پور و تهیه‌کنندگی سمیه عبدالله‌زاده که قرار است از زمستان روی آنتن برود خبرداد.

سرشار به دورنمای شبکه کودک اشاره کرد و از اتفاقات استراتژی جدید شبکه کودک گفت که دو شورای تخصصی موسیقی و شعر و ترانه به زمره شورای اندیشه‌ورزی شبکه اضافه شده‌اند.

رئیس شبکه کودک که برای گفت‌وگو در خبرگزاری تسنیم حضور پیدا کرده بود درباره این دو شورای تخصصی، گفت: شورای تخصصی موسیقی به تازگی کار خودش را در شبکه کودک آغاز کرده و تولیدات موسیقایی شبکه را موردبحث و بررسی قرار می‌دهند که بهترین نوع موسیقی برای تولیدات شبکه و برنامه‌های کودکانه استفاده شوند. تولیدکنندگان هم با یک دقت بیشتری به موضوع موسیقی می‌پردازند، چون می‌دانند بهترین استادان و کارشناسان در شورای تخصصی موسیقی شبکه کودک حضور دارند.

وی در پایان افزود: شورای ترانه و شعر شبکه کودک هم تشکیل شده و ان‌شاالله کمک خواهند کرد در ماه‌های آینده سطح فاخرتری از موسیقی کودک را آهنگسازان و ترانه‌سرایان برای این شبکه تلویزیونی مورد استفاده قرار دهند. از همه مهم‌تر با کیفیت بیشتری به موضوع کودک در این شبکه تلویزیونی پرداخته می‌شود و می‌دانند که هر ترانه و شعری نمی‌توانند در شبکه کودک استفاده کنند.

تدارک سیما برای بلندترین شب سال

مهر: شبکه‌های مختلف سیما از چندی پیش خود را برای شب یلدای امسال آماده کرده و برای آیتم‌سازی و دعوت از میهمانان مختلف اقدام کرده‌اند.

امسال علی ضیا در شبکه یک، ژیلا صادقی در شبکه دو و رضا رشیدپور در شبکه سه اجرای برنامه‌های شب یلدا را بر عهده دارند.

محمدحسین رضوی تهیه‌کننده «شب نشین» که مسابقه «پنج‌ستاره» را هم او تهیه می‌کند به یک خبرگزاری گفت: ویژه برنامه «شب نشین» برای شب یلدا، با اجرای حمید گودرزی به مدت سه شب، چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود. پنج‌شنبه و جمعه ۹۰ دقیقه‌ای و شنبه ۱۵۰ دقیقه‌ای این برنامه پخش خواهد شد. این برنامه در خدمت نقالی، دعوت از هنرمندان و چهره‌های فرهنگی و هنری خواهد بود.

گزارش از رویداد

... زین ماتمی که به‌پا کرد توپ روس

نگاهی به اهداف وانگیزه های سیاسی گلوله باران حرم مطهر رضوی در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۳۰

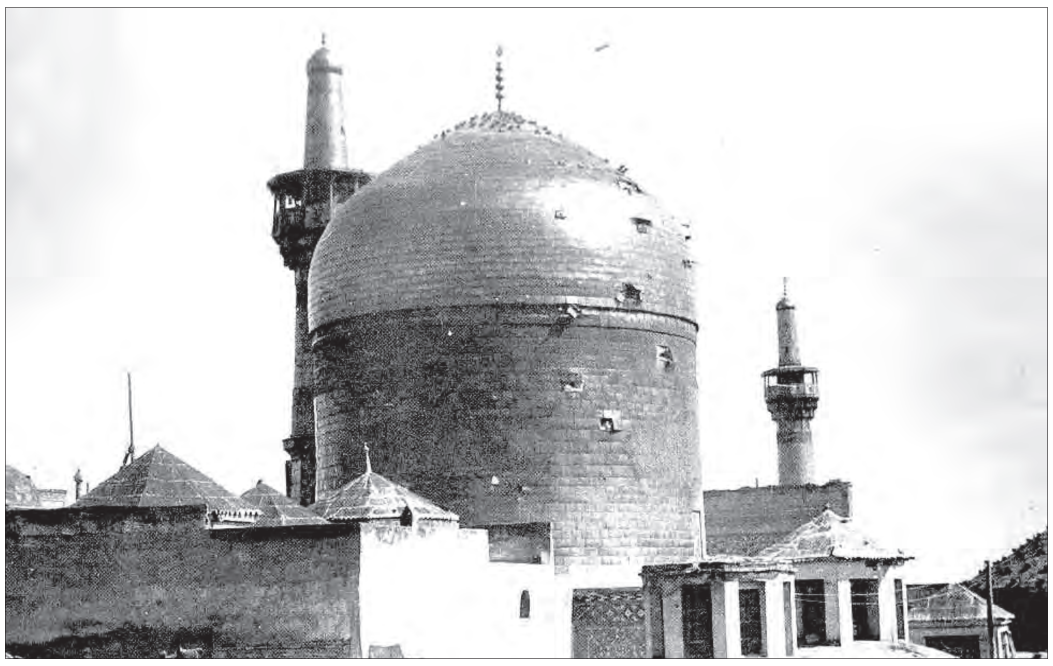

ایستگاه/ مجید تربت زاده

لباس کهنه‌اش را سال‌های سال است که از تن درآورده و رخت و لباس نو پوشیده است. استعمار، از یک قرن پیش تا امروز، حیله‌ها و ترفندهایش را هزارجور رنگ‌آمیزی کرده و شکل و شمایل شان را تغییر داده است. نسخه‌های اشغالگری اما انگار اصل و اساس شان هنوز با صد و چند سال پیش مو نمی‌زند! همان طور که حالا و در قرن ۲۱، وقتی می‌خواهند جایی را اشغال کنند، از مدت‌ها پیش دَمِ رفقا و رقبای سیاسی را می‌بینند و بعد هم با یکی دو عملیات تروریستی و ایجاد بلوا و آشوب، جایی را به بهانه ایجاد صلح و امنیت اشغال می‌کنند، ۱۰۶ سال پیش هم روس‌های تزاری با همین بهانه‌ها، مشهد را اشغال کرده و بدتر از آن حرم مطهر رضوی را به توپ بستند. بی‌شک، عقل نظامیان تزار، به این می‌رسید که توهین به اعتقادات و اماکن مقدس مسلمانان عواقب بدی خواهد داشت؛ سیاستمداران و دولتمردان روس اما لابد ضرر و زیان این اقدام را سبک و سنگین کرده و به این نتیجه رسیده بودند که حضور نظامی در مشهد و بمباران حرم مطهر، می‌تواند به حفظ منافع آن‌ها در منطقه کمک کند!

قصد دیگری نداریم!

ظاهر ماجرا این بود که به دنبال آغاز نهضت مشروطه، آمد و رفت استبداد صغیر، بعدها هم به توپ بستن مجلس، خلع «محمد علی‌شاه قاجار» از سلطنت و... ناآرامی‌ها به مشهد هم سرایت کرده و اوضاع شهر و ولایات مختلف به هم ریخته بود. دولت مرکزی هم نایِ کنترل اوضاع را نداشت و هر کس، هرچه می‌خواست می‌کرد! روس‌ها چند سال پیش، با ابرقدرت دیگر آن روزهای جهان یعنی انگلیس روی هم ریخته و شمال و جنوب ایران را میان خودشان تقسیم کرده بودند. بر اساس همان توافق، تعدادی از نیروها و اتباعشان را در مشهد مستقر کرده بودند. حالا هم که ناآرامی‌های مشروطه خواهی بالا گرفته بود، مثلاً نگران امنیت اندک اتباع روس و همچنین کنسولگری و قزاق‌های محافظش بودند که در این شهر حضور داشتند. «پرنس دبی جا» ژنرال کنسول روس در خراسان بر همین اساس درخواست نیروهای کمکی بیشتری را از مسکو کرده بود. آنچه مرحوم «محمدتقی مدرس رضوی» در کتاب «سالشمار وقایع مشهد» روایت کرده است، دقیقاً مربوط به زمانی است که با درخواست کنسول روس موافقت شده و ارتش تزاری حضورش در مشهد پر رنگ‌تر شده است: «در اوایل محرم ۱۳۳۰، قشون روس سواره و پیاده با توپخانه و... از دروازه بالاخیابان وارد شدند و از کوچه چهار باغ به ارگ رفتند... تا چند روز به همین ترتیب قشون وارد می‌شد و در ارگ و سربازخانه‌ها و منازل اطراف ارگ، سکنا می‌گرفتند. چندی بعد، کنسول روس جمعی از معاریف را دعوت کرد و اظهار داشت علت ورود قشون روس، برای عدم امنیت از نظر حفظ تبعه و رعایای روس است و مقصود دیگری نداریم»!

ضرب شست روسی

اینکه کنسول روسیه، بزرگان شهر را جمع می‌کند و به آن‌ها توضیح می‌دهد که جز حفظ جان اتباع و رعایای روس، مقصود دیگری ندارد، نشان دهنده این است که همان زمان هم، خیلی‌ها نگران نقشه‌ها و اهداف روس‌ها شده بودند. واقعیت ماجرا این بود که روسیه و انگلیس به دنبال توافق چند سال پیش حالا هم به این نتیجه رسیده بودند که لازم است هر کدام در منطقه تحت نفوذ خودشان، ابراز حضور و قدرت کنند تا هم به مردم ایران و هم به رقیبانی چون آلمان و فرانسه ضرب شستی نشان داده باشند. رخدادهایی که تا آن روز به وقوع پیوسته بود، بیشتر در تبریز، قزوین، تهران و... زمینه حضور نظامی و اشغال توسط روس‌ها را فراهم کرده بود. برای حضور نظامی گسترده‌تر در خراسان،علاوه بر این‌ها، بهانه بهتری لازم بود. روس‌ها با همین هدف از مدت‌ها قبل دو نفر را زیر نظر گرفته بودند و مخفیانه با آن‌ها رابطه برقرار کرده بودند. «یوسف خان هراتی» که خودش را از جمله مخالفان مشروطه و مشروطه خواهی جا زده بود و ۶ ماهی می‌شد که به دلیل شلوغ کاری هایش در مدرسه «میرزا جعفر» تحصن کرده بود و از آنجا خارج نمی‌شد؛ نفر دوم هم «سید محمد طالب الحق» که مدتی پیش از تهران به مشهد تبعید شده بود.

سالار ملی جعلی

بقیه ماجرا هم تقریباً روشن است. «یوسف خان» و «طالب الحق» یکباره در مشهد سر به شورش برداشته و خواهان بازگشت «محمد علی‌شاه» به قدرت می‌شوند. شرح اوضاع آن روزهای مشهد در اسناد و نوشته‌های تاریخی، به این شکل است: «نایب علی اکبر نوغانی و سیدمحمد طالب الحق، با عده‌ای در محله نوغان مجلسی آراستند و طالب الحق در آن مجلس نطقی کرد مبنی بر نخواستن مشروطه و برچیده شدن ادارات و غیره... افراد یوسف خان و طالب الحق با یکدیگر وارد مذاکره شدند و اندک اندک کارشان بالا گرفت و در یک روز... از مرکزی که داشتند با علم و بیرق، حرکت و به مسجد گوهرشاد ورود کردند... بعد از اجتماع در مسجد، طالب الحق به منبر رفت و به مردم اطمینان داد وحشت نکنید و نترسید، ما می‌خواهیم محمد علی شاه به ایران مراجعت کند و بساط مشروطه را برچینند... اندک اندک، به عده مسجدیان افزوده می‌شد و دو دسته شدند. سید با همراهان خود که همه مسلح بودند، در مسجد و قسمتی از بازار سرشور و یوسف خان در صحن نو در سراچه روی حوض انبار سکنا گرفت و کسانش در صحن و حجرات منزل کردند. همه روزه یوسف خان تفنگداران خود را پشت بام صحن با طبل و شیپور می‌فرستاد و به آن‌ها مشق نظامی می‌داد... در اواخر صفر، کار یوسف خان بالا گرفت و تقریباً راتق و فاتق قسمتی از شهر بود. هر که را می‌خواست مضروب و یا حبس می‌کرد...

به کلی امنیت از شهر سلب شده بود، به حدی که اهالی دائم متوحش و پریشان بودند... در همین بین، محمد قریش آبادی که یک نفر از اشرار و قطاع الطریق وقت بود، پس از آن که درخارج شهر با قراسوران‌های دولتی دو سه ساعتی جنگید و آن‌ها را شکست داد، به مشهد وارد و با کسان خود به یوسف خان ملحق و از طرف وی به سالار ملی ملقب شد»!

فرشته‌های نجات یا عذاب؟

حالا وقتش بود که روس‌ها در اوج بی نظمی، نا امنی، غارت دکان‌ها و... مثل فرشته نجات وارد کارزار شوند. صبر کنسول روس اما بیشتر از این حرف‌ها بود. برای اینکه کسی به ماجرا شک نکند، باید اغتشاش باز هم بیشتر می‌شد و اتباع روسی ساکن مشهد هم آسیب می‌دیدند. در یکی از شب‌ها که حدود ۳۰ نفر به قتل رسیده بودند و چندین مغازه از جمله مغازه یکی از روس‌ها مورد دستبرد قرار گرفت، کنسول روس وارد ماجرا شد. اطلاعیه صادر کرد که محمد علی‌شاه دیگر بر نمی‌گردد و شورشیان باید تسلیم شوند. در تمام کوچه و خیابان‌هایی که اتباع روسیه رفت و آمد داشتند مسلسل نصب شد... روز بعد نظامیان روس در همه شهر گشت می‌زدند... شورشی‌ها اما کماکان مدعی بودند بزودی شاه بر می‌گردد... در ۳ روز نخست نوروز، شهر کمی آرام گرفت و در روز چهارم اما: «... اشرار، رئیس کمیساریای نوغان را در بالاخیابان به قتل رسانیدند و طرف بعدازظهر، به کمیساریای پایین خیابان و سرشور و عیدگاه حمله کردند و جمعی کشته شدند. پس از کشته شدن رئیس کمیساریای، جمعی از تبعه روس به کنسولخانه رفتند و امنیت شهر را خواستار شدند». روس‌ها حالا می‌توانستند محصولِ بذری را که مدت‌ها پیش در مشهد پاشیده بودند، برداشت کنند. ابتدا والی شهر را مجبور به استعفا کردند و سپس همه امور شهر را به دست گرفتند. بعد هم اطلاعیه و هشدار صادر کردند که شورشی‌ها باید حرم و مناطقی را که اشغال کرده‌اند، ترک کنند و اسلحه هایشان را تحویل دهند وگرنه ارتش تزار به قوه قهریه متوسل خواهد شد.یوسف خان هراتی و طالب الحق اما اعلام کردند، از جایشان تکان نخواهند خورد و منتظر بازگشت شاه خواهند ماند... ترسی هم از جنگ با قوای روس ندارند!

توپ‌های شراپنل

اسناد تاریخی نشان می‌دهد«یوسف خان هراتی» پیش از این ماجرا، سال‌ها در افغانستان آن زمان به عنوان خبرنگار برای روس‌ها کار می‌کرد و در واقع دست پرورده خودشان بود. «طالب الحق» هم پیش از تبعید به مشهد، در تهران و در مقابله با مشروطه خواهان، دستش با روس‌ها در یک کاسه بود. بنابراین به هیچ وجه نمی‌شود باور کرد این دو حالا قصد رویارویی با منافع روسیه را داشته باشند.

آن‌ها فقط مأموریت داشتند زمینه را برای اجرای نقشه روس‌ها فراهم کنند. تا عصر روز دوشنبه، دهم فروردین ۱۲۹۱ (۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۰) کار را خوب پیش بردند تا نوبت به فرمانده سالدات‌های روسی برسد. او از قبل توپ‌ها را در اطراف حرم مستقر کرده بود و حالا داشت به دقت نقشه‌ای از حرم مطهر رضوی و گنبدها و اماکن اطرافش را بررسی می‌کرد. دو ساعت مانده به غروب، نخستین شلیک توپ‌ها از خیابان‌های جنوبی به گوش رسید... روس‌ها حساب کرده بودند وقتی از یک طرف، گنبد را گلوله باران کنند، با تخریب همان طرف، همه گنبد فرو خواهد ریخت... حساب هایشان اما درست از کار درنیامد...شلیک‌های نخست به گنبد آسیبی نرساند... گلوله‌های بعدی هم اگرچه یک طرف گنبد را سوراخ سوراخ کردند اما نتوانستند آن را منهدم کنند... اگر به آمار و اسناد داخلی اعتماد ندارید، بخشی از خبر روزنامه «تایمز» را بخوانید که سفارت انگلیس برای وزارت خارجه کشورمان فرستاد. در این روزنامه تعداد گلوله‌های توپ «شراپنل» ۹۲ عدد و گلوله‌های بزرگ‌تر توپ بیش از ۲۰۰ عدد ذکر شده بود: «... بیشتر گلوله‌ها به گنبد سبز مسجد می‌خورد ولی چند گلوله هم به گنبد طلایی خورد... بعضی از گلوله‌ها در صحن مسجد و پاره‌ای در خارج صحن ترکید...».

عاقبت کار

روس‌ها پس از گلوله باران و مثلاً فراری دادن شورشیان، به حرم مطهر حمله می‌برند. مسلسل‌ها، آن‌هایی را که در صحن‌ها و حجره‌های مختلف پناه گرفته‌اند، درو می‌کنند... آمار کشته‌هایی که بعدها ارائه می‌شود از هفتاد و چند کشته تا نزدیک به ۵۰۰ کشته متفاوت است. خزانه و اشیای ارزشمند آستان مقدس رضوی توسط روس‌ها به غارت می‌رود... از سرکرده شورشی‌ها نه در میان کشته شدگان و نه زخمی‌ها و بازداشتی‌ها خبری نیست... بعدها مشخص می‌شود که آن‌ها و اطرافیانشان، چند ساعت مانده به حمله، با همکاری روس‌ها از راه‌های مخفی شهر را ترک کرده‌اند... متولی حرم مطهر که در بازداشت روس‌ها بوده است، زیر فشار آن‌ها میزان خسارت‌ها را فقط ۱۰ هزار تومان اعلام می‌کند و امضا می‌دهد که سالدات‌های روسی چیزی از خزانه را به یغما نبرده‌اند... راز همکاری شورشی‌ها با روس‌ها را نخستین بار «یوسف خان هراتی» لو داد... ظاهراً روس‌ها خُلف وعده کرده و دستمزدش را نداده بودند، تا او به کنسولگری انگلیس شکایت کند... او مدتی بعد توسط حاکم محلی خراسان به تشویق روس‌ها کشته شد... «طالب الحق» به عراق گریخت و مدتی بعد توسط عثمانی‌ها به جرم جاسوسی برای روسیه اعدام شد.

منهای سیاست

نامه به پسری که هرگز زاده نشد

یا داماد شو یا بمیر!

م. ظرافتی

ایستگاه/ پسر عزیزم! حالا که قیمت گوشت، مرغ، لبنیات و... به صورت تصاعدی بالا می‌رود و معلوم نیست در این شرایط اقتصادی چند سال، چند ماه یا چند روز دیگر زنده خواهم ماند؛ قصد دارم سنگ‌هایم را با تو وا بِکَنم. ضمناً به علت شرایط بغرنج اقتصادی من توانایی بچه‌دار شدن که سهل است، توانایی زن گرفتن را هم از دست داده‌ام، پس من را ببخش اگر هیچ وقت زاده نشدی!

پسر نازنینم! در زندگی‌ات یا داماد شو یا بمیر! شاید بگویی مرد حسابی، تو که خودت داماد نشده‌ای چرا هنوز زنده‌ای؟ در پاسخ باید بگویم من از بی‌کفنی زنده‌ام! پس از همان دوران کودکی تمرکزت را بگذار روی داماد شدن. مبادا به شغل دیگری فکر کنی. تعجب نکن پسرم! در دنیای ما داماد شدن شغل است.

پسرم مهربانم! کافی است داماد یکی از مسئولان بشوی تا مناصب مهم مدیریتی یکی پس از دیگری توسط دستان قدرتمند فتح شوند. می‌دانم... می‌خواهی برایم از شایسته سالاری بگویی اما باید بدانی شایسته سالاری و این سوسول بازی‌ها در دنیای ما جایی ندارند و گذشته از آن، وقتی شایستگی ازدواج با فرزند یک مسئول را داشته باشی، خود به خود شایستگی انتصاب در مناصب مهم مدیریتی را هم پیدا خواهی کرد!

فرزند عزیزتر از جانم! نگران نگاه‌های سرزنش کننده سایر مدیرانی که با عرق ریزی و خاک سیاست خوردن به آنجا رسیده‌اند نباش چون اصولاً چنین مدیری وجود ندارد و سایر مناصب مهم در اختیار جوان‌های فامیل همسرت است و تو در پست مدیریتی‌ات احساس غریبی نخواهی کرد! حتی می‌توانی تا لنگ ظهر بخوابی و سر کار نروی و در عوض در میهمانی‌های خانوادگی که تمام مسئولان مهم کشوری حضور دارند، درحالی که خیار پوست می‌کنی، تصمیمات مهم را بگیری!

پسر گلم! داماد بودن شغل پر دردسری است اما سعی کن به قله‌های بلند و فتح نشده چشم داشته باشی و با چند انتقاد رسانه‌ای جا نزنی. نگاه به داماد رئیس جمهور خودمان نکن که با چهار تا انتقاد رسانه‌ای از پست معاونت وزارت صمت استعفا داد. حالا این درست که هیچ سابقه‌ای در این زمینه نداشت اما نداشتن تخصص و دانش کافی که نشد دلیل استعفا! بالاخره داماد بودن پستی و بلندی‌هایی دارد که هر کس این شغل را انتخاب می‌کند باید این پستی و بلندی‌ها را به جان بخرد! همین داماد ترامپ را

نگاه کن که با وجود انتقادهای شدید رسانه‌ها جا نزد و تمام هم و غمش را گذاشت پای شغل شریف داماد بودن و الآن جزو کله گنده‌های آمریکا به حساب می‌آید. مگر ما چه چیزمان از آمریکا کمتر است که رئیس جمهورمان چنین داماد رانت خواری نداشته باشد؟ سعی کن همان‌طور که کوشنر داماد شایسته‌ای برای رئیس جمهور آمریکاست، تو هم داماد شایسته‌ای برای رئیس جمهور آینده کشورمان باشی!

جدول ۷۴۲۵

zadehalireza@gmail.com

محمدرضا علی‌زاده

افقی

۱- نام دو موشک هواپایه ساخته شده توسط متخصصان زبده و کارآمد سازمان صنایع هوافضای وزارت دفاع - کارگاه ماشین‌شویی ۲- ترس و واهمه- بسیار پاکیزه- کثرت آمد و شد ۳- گیاه خورشتی که خاصیت مسهلی ، ضد التهابی و متعادل کننده عملکرد روده‌ها را دارد- گوشت بریان شده- بالای چهارچوب خانه ۴- خزنده گزنده- سخن بی‌پرده- بیماری حیوانات- پشت سر چیزی ۵- لحظه- گردآوری شده- جانور ۶- ضبط کردن- از درختان پرشاخ و برگ جنگلی- پنج ترکی ۷- همسایگی- آسمان- خالص ۸- از درجات روحانیت مسیحی- شاعر یونان باستان و سراینده «نسب نامه خدایان» - برقرار ۹- خانه شعری- عبادتگاه مسیحی- تل و پشته ۱۰- خیسی اندک- جواب عروس خانم- سالیانه ۱۱- حمل و نقل- جلال و جبروت- صد مترمربع ۱۲- گوشه جسم- تخت پادشاهی- خمیر بتونه- ناسیونالیستی ۱۳- سرزمین- دفع کننده- اتفاقات ۱۴- ابزاری مضر برای کشیدن تنباکو - کشور قذافی معدوم - نشانه‌ها ۱۵- توفان- از مشاغل رو به زوال ایرانی

عمودی

۱- دلاور- کنایه از آدم خوشگذران است ۲- نام یک سری موشک فضاپیما بر اروپایی- تنومند- از وسایل پرواز ۳- قاضی ورزشی- پاره وقت- ترساندن کسی ۴- بلیغ- جنگ و نبرد- خشکی- پسوند یافتن ۵- درجه ای در ارتش- اتاق مدرسه- بوی ماندگی ۶- زدنی بهانه‌گیر- غذای زمین- حمل و نقل تجهیزات به وسیله بالگرد ۷- راستگویی- خوراکی تهیه شده از اسفناج و عضو خانواده کوکو- پول خودمان ۸- بچه محل لری- حلیم- دوست ۹- جهانگرد- پرگار- نوعی بالاپوش ۱۰- رودخانه ای در افغانستان که به ترکمنستان وارد می‌شود- نقره- پهلوان ۱۱- مخفف اگر- این پول در پکن به کار می‌آید- حاصل کار استاد نقاش ۱۲- قوم اسلاو- مایع دباغی- نیکبختی- چهارچوب عکس ۱۳- معکوس- معمولی- تمدنی باستانی در مکزیک ۱۴- دستور مصرف دارو- مخلوق- رشته ها ۱۵- اعضای آن برای اداره هر چه بهتر شهرهای کشور با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند- نویسنده «فاطمه فاطمه است»

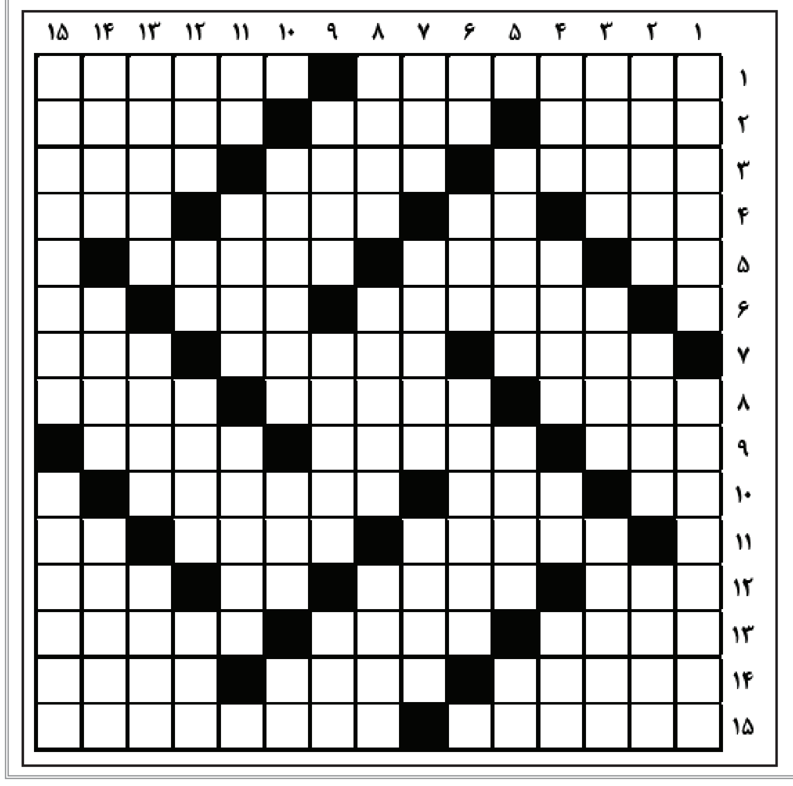

حل جدول شماره قبل

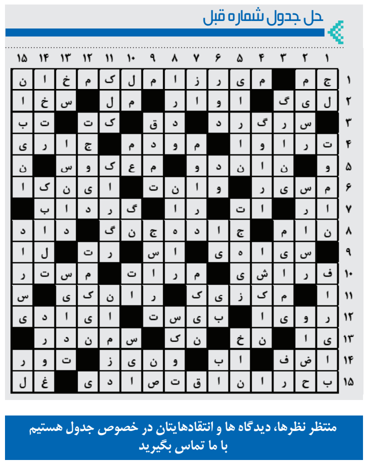

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم با ما تماس بگیرید

کلیدها

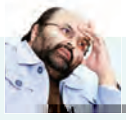

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

پرسش و دیگر هیچ

هر چیز نویی البته جذاب است و شاید ما حق داریم که از خودمان خسته باشیم؛ ولی به راستی کدام ویژگی ما خسته کننده بوده است؟ آیا خانواده‌های سنتی آزاردهنده بوده‌اند که ما تا می‌توانیم در فیلم و نمایش و کتاب و هر چیزی که از ما بر می‌آید سرگرم تخریب خانواده سنتی هستیم و حتی با افتخار تمام در مجموعه‌های تلویزیونی ساختار خانواده پدر محور سنتی را هجو می‌کنیم؟ اگر ما احساس عقب‌ماندگی داریم کدام خصیصه ما این خست و پستی را برای ما میراث گذاشته است؟

بازخوانی آخرین جنگ‌های مهم تاریخ صفویه و قاجار در فهم این قصه مهم است. هنوز که هنوز است صدای اقبال لاهوری همچنان رشیدترین صدا در تمامی ادبیات شرق است که «قوت مغرب نه از چنگ و رباب/نی ز رقص دختران بی‌حجاب/قوت افرنگ از علم و فن است» ولی ما همچنان روی همین بعد غرب متمرکز شده‌ایم و با تمام توان در تلاشیم تا با تأسی از همین جنبه غرب، غربی شویم.

همین چند روز پیش دکتر محمد مهدی سیار، شاعر ارجمند روزگار ما می‌گفت که یک راننده تاکسی، هواپیمای بومی را مسخره می‌کرد و من که تازه گزارشی از ۲۰ سال زحمت مهندسان ایرانی در ساخت این هواپیما خوانده بودم، برای او توضیح دادم که ۷۰۰۰ قطعه این هواپیما یکی یکی در طول ۲۰ سال با پروازهای فداکارانه شبه انتحاری آزمایش شده تا به این هواپیما رسیده‌ایم. بله، از این کارها هم بسیار کرده‌ایم ولی همچنان روشنفکران و سلبریتی‌ها و تأثیرگذاران دانشگاه و فرهنگ و رسانه و حتی بتازگی برخی سلبریتی‌های حوزوی ما تنها مفتون ظواهر غرب هستند و هیچ چیز خودمان را باور ندارند و تا ذهنیت ما این باشد، وضعیت ما هم همان خواهد ماند.

راه چاره در چیست؟ جدی گرفتن علم! و علم پیشرفت نخواهد کرد مگر اینکه در اخلاقیات ما فهمیدن و دانستن اهمیت پیدا کند. راز قصه همان توجه است. سیب بارها از درخت افتاد ولی یک نفر به این افتادن توجه کرد و کاشف قانون جاذبه نام گرفت. بچه‌های ما باید پرسشگر بمانند.

چند روز پیش داشتم به ماشین قفل فرمان می‌زدم. پسرم که کنار من نشسته بود به قفل فرمان نگاهی کرد و پرسید: خدا دزدا رو چرا آفریده؟ این پرسشگری را ما می‌توانیم با برخوردهای بد یا بی محلی از بین ببریم و می‌توانیم به یک سنت برای همه عمر تبدیل کنیم. با همه سختی‌هایش من خودم سعی می‌کنم در مواجهه با هر چیزی در ذهن بچه‌ها سؤال ایجاد کنم تا آن پدیده را بررسی کنند و بفهمند. اگر همه ما همین کار ساده را انجام بدهیم نسل بعدی ما خیلی چیزها را تغییر خواهد داد. خود ما هم تنها یک راه جدی داریم؛ مطالعه، مطالعه، مطالعه.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

حفره سیاه شبکه اجتماعی

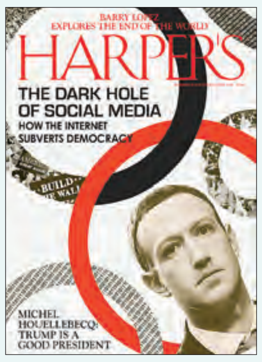

ماهنامه هارپر در پرونده‌ای به شرایط نه‌چندان ایده‌آل شبکه‌های اجتماعی در جهان می‌پردازد. این نشریه با انتخاب تیتر «حفره سیاه شبکه اجتماعی» می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه اینترنت که می‌خواست نشردهنده دموکراسی باشد، موجب سرنگونی آن شده است. تصویری از مارک زاکربرگ مؤسس اولین و مطرح‌ترین شبکه اجتماعی یعنی فیس‌بوک به روی جلد رفته که سالی بسیار سخت را پشت سر گذاشت. هارپر صحبت‌های میشل وِلبِک، نویسنده مطرح فرانسوی را نیز منتشر کرده که در آن ترامپ را رئیس‌جمهوری خوب لقب داده است! ولبک معتقد است تحت هدایت ترامپ آمریکا دیگر قدرت اول جهان نیست و این برای بقیه کشورهای جهان خوب است.

آواز نه چندان زیبای کریسمس!

هفته‌نامه اسپکتیتر در شماره ویژه این مجله به مناسبت کریسمس به سراغ چهره‌های مهم سیاسی و فرهنگی جهان رفته است. این نشریه با طراحی جالبی به روی جلد که به خوبی با درونمایه پایان سال هماهنگ است؛ سوژه‌های حوزه‌های مختلف خود در سال گذشته را در حال خواندن آواز کریسمس نشان می‌دهد؛ جایی که حال و روز بد برخی از این چهره‌ها مانند «ترزا مِی» با متن مذهبی این اشعار که در دستان آن‌ها قرار دارد کاملاً هماهنگ است. اسپکتیتر برای این شماره مصاحبه‌هایی با شخصیت‌های مطرح مانند بوریس جانسون، وزیر امور خارجه سابق بریتانیا و بندیکت کامبربچ، بازیگر مشهور نیز به چاپ رسانده است.

بازگشتی برای بیت کوین هست؟

بلومبرگ بیزینس ویک در پرونده‌ای به آخرین شرایط پول‌های الکترونیکی و سرآمد آن‌ها بیت‌کوین می‌پردازد. این نشریه با طراحی ساده به روی جلد با تیتر «هم‌قافیه با بیت‌کوین» شکل هماهنگی جهان با پول‌های مجازی را زیر ذره‌بین برده و ۹ مقاله مرتبط با آن را به چاپ رسانده است. در یکی از این مقاله‌ها بلومبرگ بیزینس ویک نگاهی دارد به ترکیدن حبابی که پیرامون پول‌های الکترونیکی وجود داشت و در حالی که از ترکیدن آن یک سال می‌گذرد، این مقاله می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که آیا بیت‌کوین روزی دوباره می‌تواند به شرایط آرمانی خود بازگردد؟